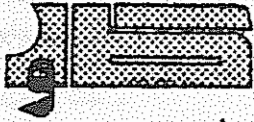


سپیک کار خرده بورژوازی

سازمان مجاهدین خلق ایران پس از یک دوره تلاش نافرجام در جهت جلب به سازمان ما بزرگترین بورژوازی لیبرال و پس از آن که طی دوره ای از سکوت که اختن و نادیده انگاشتن سازمان با این هدف بجه گانه که سازمان بترجم خودشان در سطح جنبش مطرح نشود و با شکست این تاکتیک انقلابی! در عمل، بقیه در صفحه ۵

در صفحه ۲۰

کارگران
زحمتکشان
هواداران



گسست در کابینه

کذاکثر جهان جناحهای مختلف رژیم بر سر مسائل گوناگون اما، کلا بر سر نحوه ی بازسازی نظام سرمایه داری (بر سر ضرورت آن که اختلافی نیست) جناحهای درونی بهیئت حاکمه را به رها رشتی مستقیم حتی در هیئت دولت کشاند تا بد آنجا که ضربه به استعفا ی دو وزیر کابینه گردید. اختلافاتی که از بد تنهایی پیش بصورت پنهان آشکار و عینی بصورت درگیریهای نظامی درون - ارگانها و نهادهای رسمی و غیررسمی شدت یافته بود، و هر یک از جناحها سعی میکردند تا اهرمهای قدرت را سریع تر برای پیشبرد سیاست خاص خویش در دست گیرند، اکنون صورت شکافی عمیق در هیئت دولت برای قبضه کامل قدرت ولتی از سوی هر دو جناح

بعضی پایان بخشیدن به بحران اقتصادی - اجتماعی و درهم شکستن بن بست قدرت، و انعکاس یافته است بر امری که نهایتا برای هیچیک امکان پذیر نخواهد بود. روند عمومی تحولات درون دستگاه حکومتی همواره بر اصل تشدید اختلافها و پس از آن تجزیه و گسیختگی استوار بوده، و نمونه دولت موقت و جناح بندی حزب جمهوری اسلامی از یک سو و "لیبرالها" که قدرتشان در دولت موقت تبلور یافته بود از سوی دیگر که سرانجام اختلافات به کساره گیری دولت موقت انجامید بر اینگونه تشدید اختلافات با بنی صدور ورگناری وی از ریاست جمهوری امانه همان بانوع دولت موقت، سپس جناح بندی بقیه در صفحه ۴

ارزیابی جنبش کارگری و وظایف ما

آنچه دوران انقلابی را از یک دوران - رکود متعادل میسازد اشکال متنوعی سازده توده ها، اعتراضات آشکار و پنهان، مبارزات مستقیم و انقلابی توده ها است که بر سبب بحرانهای اقتصادی و سیاسی پدید می آید. اما، در یک دوران انقلابی ویژه در شرایط اختناق، علیرغم اینکه مسیر عمومی حرکت توده ها همواره تازنده با بنده و نهایی است اما الزامات حرکت اعتراضی و انتصابات پیوسته بدین وقفه نیست بلکه با توجه به میزان آگاهی، تشکر و سازمان یافتگی توده ها، مبارزات از مراحل نهایی آغاز شده ها، بقیه در صفحه ۲

حمله به سفارت ژاپن در صفحه ۱۵

جنبشها، شورشها و ضرورت انقلابات بهیئت می نمانند، که شروع انقلابات همیشه تا به انتها تکامل نمی یابند (اگر برای مثال، طبقه انقلابی به اندازه کافی قوی نباشد) (لنین، اپورتونسم سقوط انترناسیونال دوم).
تداوم بحران انقلابی در جامعه که چشم انداز برای اعتصاب عمومی و قیام مجدد توده ها را در پیش روی ما قرار میدهد همچنان رژیم جمهوری اسلامی را در ورشکستگی فرو میبرد و تمامی تدابیر دولت - مردان بقیه در صفحه ۶

در راستای اعتصاب عمومی سیاسی و قیام

انقلابات هرگز حاضر آماده تولید نمیگردند، آنها از فشار و سبب بیرون میجوشند و بکاره نعله و نمیشوند، آنها اغلب بوسیله یک جریان بی وقفه، بحرانی

در این شماره



جنبش کارگری
در صفحه ۳
جنبش انقلابی خلق کرد
در صفحه ۲۰

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی ایجاد کنیم

ارزیابی

بقیه از صفحه ۱

تاریخ اهل عقب نشینی موقت آنها قدر میکند. وجود تشکیلات رزنده و آن عامل تعیین کننده است که میتواند با تعیین دقیق موقع زمان حرکت و - شمارهای ضابط رشد مبارزاتی و نیروی حرکات اعتراضی را تضمین کند.

نگاهی بسیار زانکارگران در سه ماهه بهمن و اسفند ۶۱ و فروردین ۶۲ پس از آن چه از لحاظ نوع اعتراضات و به از جهت کیفیت حرکات مبارزاتی واقعیت مواجهه مبارزان نقش و اهمیت تشکیلات مبارزان یافتگی کارگران است. همانطور که اشاره شد اعتراضات و اعتراضات متعدد در کارخانجات مختلف از بهمن ماه ۶۱ آغاز گردیده و نقطه اوج آن حرکت یکپارچه کارگران در به تعطیل کردن کارخانجات و مراکز صنعتی بحسابت اول ماه به بود. خواستهای کارگران عقب تاضیف و درموازی سیاسی بود از جمله این خواستها در ریافت عیدی و یاد اشر و اعتراض به اخراجها - اعتراض بقانون کار اجرائی دست پرورد - رژیم و اعتراض بحضر حاسمان و مزدوران انجمن اسلامی در کارخانه هاه اعتراض به افزایش حلافت کارمندان در ریافت حقوق اضافه کاری، اعتراض بعدم تعطیل پنجمین هاه اعتراض به بازگشت مدیران و صاحبان قبلی کارخانه هاه و بالاخره اعتراض به کسر حقوق کارگران بسیاری حمله هاه بود و حتی در مواردی به درگیری حاد با عناصر سرکشی و کوربا آمدن سرانجامه و حتی در کارخانه نساجی ایگار در شیراز منجر به شهادت تن از کارگران گردیده

علیرغم موفقیت نسبی کارگران در حصول به اکثر خواستهای نظری عیدی و یاد اشر و - تغییراتی ظاهری در مواردی از قانون کار و حتی در برخی موارد جابجائی مسز در انجمن اسلامی، رژیم نتوانست وسیع بر علیه کارگران تدارک دید، دستگیریها و اخراجها بی دسته جمعی کارگرانی که در حرکات اعتراضی نقشی فعال داشتند آغاز شد. بعنوان مثال در کارخانه کلاچ قزوین در تیرماه ۶۰، ۲۲ نفر بازداشت شدند که با یافتاری و اتحاد کارگران بجزو نفر و بقیه آزاد گردیدند. این اخراجها و راکتس کارخانه هاه و مراکز صنعتی جریان داشت و حتی رژیم در مراکز کتیدی نظیر الایشگاه تبران و دوپ آهن اصفهان و کارگسران قدیمی و سابقه راند در بسیاری استیسرو یا اخراج نیروها از مراکز آتی پیشگیری نماید

و در بعضی صنایع و تاسیسات از دستفردام کرد. حرکات اعتراضی و اعتراضات سه ماهه بهمن و اسفند ۶۱ و فروردین ۶۲ هر چند بصورت برنامه و نقشه از پیش تعیین شده ای نبود و بصورت خود انده ای از سوی مراکز صنعتی مختلف صورت گرفت، اما در مجموع از آنجا که برخی خواستهای مطرح شده نظیر عیدی و یاد اشر هم بلحاظ موقعیت زمانی (مسئله عید و نیازهای مردم اقتصادی) و هم بحسب اینکه این خواست بوده کارگران را در بر گرفت بظا هر حرکتی یکپارچه نمود اگر گردیده و حال آنکه بسا تصمیم و برنامه ریزی قبلی نبود و علاوه بر چند در مجموع این اعتراضات سه ماه بطول انجامید اما برخی مراکز پرتر به انصصاب روی آوردند و برخی پیشتر تری بودند.

پس از این دوره سه ماهه یعنی از اردیبهشت به بعد (باتوجه به اخبار رسیده) مایا یک سلسله حرکات اعتراضی پراکنده در کارخانجات مواجه بوده ایم، از جمله در مولن موکت قزوین، ارج و بخشا شی از ترک واحد، چینی آرکیده، پارس شال، کفش طی (کارخانه ازاده، یکی از کارخانه وابسته به کفش طی) و معدن زغال سنگ شاهرود، سفال بزی آیسک و بعضی کارخانجات جای شمال و کلاچ قزوین و نازخ و... اما این حرکات در زمانهای متفاوت با خواستهای مختلف و از لحاظ کیفیت و کم دامنه تروحتی در مواردی نا موفق بوده است. اعتراضات حمله اخراجها (کلاچ قزوین) و در ریافت حقوق تولید (مولن موکت) اضافه حقوق بحیزان ۶۶٪ (یکی از تعمیرگاههای شرکت واحد) و یا تعطیل پنجمین هاه (ارج) صورت گرفته است. در این دوره همه ترین و عمومی ترین شکل مبارزه کارگران در اکثر قریب به اتفاق مراکز صنعتی کم کاری بوده است. در بررسی ذهنیت کارگران مشاهده میشود که زمینه ذهنی برای انصصاب و اعتراض کاملا وجود دارد اما دلیل عدم سازماندهی و نبود تشکیلات باشرایط کارگران با نتاجم مزدوران رژیم و ادار به عقب نشینی میشوند و نیز همین دلیل رژیم قادر میگردد به اخراجها و دستگیریها دست زند. در این میان جد از سرکوبهای وسیع سازمانهای انقلابی و نیروهای پیشرو، دوشیوه بر خیزد از سوی نیروهای آگاه موجود در کارخانه هاه موجب ضعف جنبش کارگری شده است. نیروهای پیشرو کارگری با پایا بر خیزد و چپ روانه خود یعنی رهبری علمی حرکات اعتراضی سرعت شناخته شده و من در نتاجم رژیم قرار میگردد و قبل از ایجاد هرگونه تشکیلاتی که ادامه کاری را تضمین نماید از صحنه خارج میشوند و یا بالعکس از هسر گونه حرکت به بهانه حفظ خود بر قیستی که بنوعی بقای ضفعل است، متاسفانه نظاره گری می مانند که همین خستکاران،

گزارش خود را ارائه داده و در آخر سه نبود نقش بصیرت پرورد دهد است انصصاب تاضیف بصیرت. گویا که پیشرو و محمزه گری است که ناگهان بر صحنه مبارزه انقلابی پرولتاریا ظاهر شده و آثار هریری خواهد کرد و بدون اینکه لحظه ای فکر کنند، پس خود آنها چه کاره اند و چه نقشی دارند.

هسته های سرخ کارخانه که میبایست وظیفه تبلیغ و ترویج را تصاحب باشرایط اختناق به پیش برند وظیفه های کتیده های صنفی انصصاب را باید آوند، هنوز انجمنان که ضرورتهای موجود اقتضا میکند به نقض و اهمیت وظایف خود بخیلی واقف نشده اند.

رفقای ما انصصاب با دوران انقلابی و وظایف عاجل کنونی، حرکت لازم را ندانند تبلیغات مادر کارخانه هاه، نا کافی است و هنوز نتوانسته ایم پیوند بین مبارزات توده ای و کارگری را پدید آوریم. برخی رفقا منتظر جنبش خود بخودی کارگران همان صورت ناب، کلاسک و پر قوت هستند تا آنجا که وظیفه خود یعنی تلفیق آگاهی سوسیالیستی با جنبش طبقه عینیت بخشند. رفقا توجه ندانند که در شرایط کنونی، با توجه به اعمال فاشیستی ترین شیوه های سرکوب که از سوی رژیم جمهوری اسلامی اعمال میشود و حتی هیچگونه تشکیلات صنفی و قانونی از سوی رژیم تحمل نمیشود، منتظر حرکات خود بخودی گسترده نشستن خیالی نیست است. باید از طریق تشکیلات کتیده های صنفی انصصاب در هر کارخانه، و ارتباط بین این کتیده هادر کلیه مراکز صنعتی، پیشرو کارگری این پیوند را پدید آورد.

ما دام که در کارخانه هاه تشکیلات مبارزان یافتگی پدید نیاید، رژیم قادر است بر احتس هر حرکت اعتراضی را سرکوب سازد. اما وجود تشکیلات پرولتاری در کارخانه همچون مدعظیمی در مقابل با سیاستهای ضد خلقی رژیم عملگردی باید. هر اخراج و دستگیری اگر با مقاومت یکپارچه کارگران از طریق کتیده های صنفی تشکیلات شده در کارخانه هاه مواجه گردد، رژیم را وادارنده عقب نشینی میکند، نمونه هاه متعدد در

این مورد دیده شده که اتحاد کارگران حتی مانع دستگیری و اخراجها شده است. بحث و ناطیقه کارگرسازمان یافته نداشته باشیم. امر پیشرو مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی حتی در اشکال اولیه آن نیز باوقه مواجه خواهد شد. اگر هم اکنون ذهنیت کارگران بسیار پیشرفته تر از حرکات انقلابی آنهاست، اگر کارگران در حین روزمره (بر اساس گزارشات رسیده) از جنبشهای توده ای نظیر آفریه، خاک سفید و... حرکات اعتراضی مردم در قیود بر علیه جنگ ارتجاعی حمایت میکنند و یا اگر بدستی عامل قزو فلاکت

نیروی مبارزانه و سازماندهی از مبارزه برای دموکراسی بطنی

پاریس قتال :

در چند سال اخیر در تابستان در این کارخانه رسم بر این بوده که پس از ماه رمضان مدت ۱۵ تا ۲۰ روز کارخانه تعطیل شود و در این مدت کارگران از مرخصی سالانه استفاده میکردند و قسمت تعمیرات و برق و امثال اینها بوسیله کارمندان و به تعمیر دستگاههای پرداخت میگرفتند. در نتیجه پس از پایان مرخصی اکثر کارگران دستگامها تعمیر شده و سالم و آماده کار بوده است. اما این کارگران در انتظار انجام چنین برتلفه ای بودند که در کارخانه شایع میشود که اینبار کارخانه تعطیل نخواهد شد و مرخصی کارگران نه بصورت دسته جمعی اطل گذشته بلکه بتدریج صورت خواهد گرفت. کارگران این کارخانه که می دیدند دستگاهها احتیاج به تعمیرات دارند و همچنین کار در شرایط سخت و گرمسای تابستان بسیار مشکل است و نتایج برقراری به مرخصی داشتند با عدم تعطیل کارخانه مخالفت نمودند. علت بروز این مسئله بخشنامه ای بود که در ۱ خرداد ماه اصل از سوی وزارت صنایع سنگین برای کارخانه های وابسته به این وزارتخانه (از جمله پاریس قتل) ابلاغ گردید و هرگونه تعطیل کارخانه را مردود اعلام نمود. بعد از این کارخانه نیز از آنجا که احتمال مخالفت کارگران را میدادند اعلام کرده بود که بناچار فقط یک هفته کارخانه را تعطیل کرده و بقیه مدت مرخصی کارگران به مسرور به آنها ارجاع دهند. در نتیجه حدود ۳۰۰ نفر از کارگران معترض به این بخشنامه ساعت ۱۰/۵ صبح به دستوران رفتند و دست از کار میکشند و از مدیرعامل میخواهند در مورد مرخصی به آنها توضیح بدهند و مدیرعامل نیز به سرشیفت کارخانه میگردد که فقط یک هفته تعطیل میکنم است داده شود پیش از آن امکان ندارد و سرشیفت نیز مسئله را با کارگران در میان میکند و در کمال بیگانگی کارگران فوق العاده خشمگین شده و دسته جمعی بسمت دفتر مدیرعامل حرکت می کنند. صانعت ماهرین بازرسی از حرکت کارگران بطرف قسمت اداری و دفتر مدیرعامل بعد از آنکه یکی از مدیران که قصد آرام کردن کارگران خشمگین را داشته اثر نمی بخشند آنها را به کناری زده وارد دفتر مدیرعامل میشوند و قصد کمک زدن او بطرفش میروند پرتابه التماس افتادن مدیرعامل در همان لحظه اول که از چشم کارگران بوحشت افتاد بود او را از کتک خوردن نجسبات میدهند. سپس حرف خود را پس ترغیب و میگویند من هیچگاه نکندم کارخانه فقط یک هفته تعطیل شود و این را در انقلا شایع کرده و در ادامه صحبت مسئولیت را بر عهده وزارت صنایع سنگین میگذارد و از کارگران خواهش میکند که در دستوران خیم شوند تا به یکی از مسئولین وزارتخانه

اطلاع داده شده و توضیحات لازم را به کارگران بدهد. حدود ساعت ۱/۵ بعد از ظهر نماینده وزارت صنایع سنگین به کارخانه آمده و از همان ابتدا سعی میکند تا با پیش کشیدن سائلی چون توطئه "خدا انقلاب" برای توهین کارگران و ... مسئله جنگ و کارگران را بفریبد که با عدم موفقیت کامل مواجه شد و در تمام طول صحبتش کارگران یاد او میدادند در کارش - اخلاص کرده و او را مورد تمسخر قرار میدادند پس از توضیحده شوراها ای اسلامی شروع به صحبت نمود ولی جرئت نکرد تا حرفی علیه کارگران بزند و او نیز اغصاب را بگردن مدیر عامل انداخت. پس از آن نماینده وزارتخانه دوباره شروع به صحبت کرد و چون میدید کارگران شدت او را مورد استهزاء قرار داده اند اعلام داشت که مسئله حتماً رسیدگی شده و اگر مدیرعامل حاضر باشد او را با کارگران خواهد دید و در خصوص تعطیلی کارخانه را منوط به بررسی کارشناسان فنی وزارتخانه از وضعیت دستگاهها می نماید. نماینده وزارت صنایع سنگین پیش از خروج از کارخانه از آنجا که بی به اختلافات انجمن و شورای اسلامی و مدیرعامل برده بود در جهت هماهنگی کردن عملکرد آنها و وزارتخانه علیه کارگران آنها را به وزارتخانه برای مذاکره دعوت می کند. در روز بعد کارشناسان وارد کارخانه شده و بعضی ورود بوسیله کارگران احاطه میشوند و کارگران مشکلات خود را مطرح میساختند. کاری دست یکی از کارشناسان را گرفته و محل کار خود برد میبرد. آنها آقای وزیر نیز در چنین شرایط سختی گسار میکند و اینکه زیر کولر نشسته فقط دستور میدهد ۳ بازرسی از دستگاهها و وضعیت کارخانه حدود ۲ ساعت بطول می انجامد که در همین زمان اعضای شورا و انجمن سنگین اسلامی و مدیران نیز از وزارتخانه بر میگردند و همگی در دستوران تجمع میکنند. بالاخره یکی از افراد شورای اسلامی برای کارگران صحبت کرده و از آنها میخواهد تا برای مرخصی رفتن در سه نوبت ۱۵ روزه موافقت کنند. مدیرعامل هم اعلام میدارد که بخشنامه در تاریخ ۳/۱۵ بدستش رسیده و اگر به موقع اقدام کرده بود همه کارگران تاکنون توانسته بودند از مرخصی استفاده کنند و از این باب میگوید که اکتفاء کرده است. اکثر کارگران با این طرح برای مرخصی رفتن موافقت میکنند اما بهر حال چند نفر از کارگران با صدای بلند میگویند که "بزرگسار عار ایا سر نیزه صبور به کار میکند و سخت نیزه نیز هیچ حوش نمیشود و فردی ضد کارگر است و ...". بهر رو کارگران همچنان دست از اعتراض بر میدارند و این در حالی است که افراد شورا و انجمن اسلامی و مدیرعامل و مسئولین وزارتخانه و دیگر عوامل رژیم با همکند دست سعی میکنند تا با این بخش از خواسته کارگران که مرخصی سالانه بوده و

کار



عطش مبارزه آنها را فروشانند و از گسترش اعتراض جلو گیرند. سه نیکه باید در اینجا مورد توجه قرار گیرد اول اینکه خود تجربه مبارزه و روزی روزمره کارگران علیه رژیم و عواملش هر روز توده های وسیعتری از کارگران را در مقابل رژیم قرار میدهد. شوراها اسلامی که از همان ابتدا از سوی رژیم برای از حلقه خالی کردن شوراها واقعی کارگران و هلهبه آنها غم شدند سعی داشتند تا اقشاری از کارگران را که از آگاهی زیادی برخوردار نیستند بوسیله خود جذب کرده و تا سازمان مبارزاتی کارگران را محدود نمایند و بتدریج دامنه عمل و کارائی شان برای رژیم محدود و محدود تر شود و حتی گاه زمینه ای فراهم میشود که ناگاه ترین کارگران نیز بمرصه مبارزه کشانده میشوند. و این امر ضرورت کار در ارگانهای رژیم ساخته ای حتمی چون شوراها اسلامی و دیگر ارگانهای مشابه را البته در شرایطی که امکان دسترسی به توده کارگران از این طریق موجود باشد و گسترش مینماید در حالی که همین کار در راستای هدف اصلی و مبارزه اصلی که کشاننده توده کارگران بحرکت و تفکر مستقل سیاسی است میبایستی قرار گیرد. دوم اینکه افراد اصلی شوراها اسلامی و انجمن های اسلامی و مدیریت و ... اساساً بهر او سایر عوامل رژیم یک مجموعه ضد کارگری را تشکیل میدهند و نقصان بخشیدن و درهم کوبیدن مبارزات کارگران را هدف سیاسی خود قرار داده اند. هدف ما میبایستی تلاش در جهت زدودن توهم توده کارگران نسبت به اینکه ارگانها باشد و اینکه شایعات نغیابین انجمن و شورای اسلامی و مدیریت اساساً در رابطه با راه حل سرکشی جنبش کارگری است و نه هیچ چیز دیگر. سیم اینکه پیشاهنگ و پیشرو میبایستی فعالانه در اینگونه حرکتهای کارگران شرکت کند و از طریق همین مبارزات روزمره سطح آگاهی و تشکل کارگران را ارتقاء بخشند و بجز سازماندهی عناصر پیشرو را به انجام رسانند.

در شبوری تشنه کانی و قصابی بیوزی مبارزات قتل امپریالیستی - در کورانیکی خلیجی ایران است

گست . . .
بقیه از صفحه ۱

در قالب دو جناح
عجینیه و "خط امامی" ها تماما
بها نگرین روند عمومی است در واقع بیانگر
بن بست قدرتی است که در مقابل رژیم
جمهوری اسلامی قرار دارد. از این رو تشدید
اختلاف که ضربه استقامتی دو وزیر بازگانی
و کاروا را اجتنابی گردید نیز جد از این امر
نیوه و نهبانسانه تجزیه بیشتر درون هیئت
حاکمه سیانده. و پایانی نیز جز همان -
سرپرست محتوم ند ارد مگر آنکه این بن بست
قدرت با سرنگینی رژیم شکسته شود.

اما رژیم جمهوری اسلامی با تهاجمی که از
گذشته امیخته بود و از آنجا که صید آنست
بروز شکای در دستگاه حکومتی خصوصا در
شرایط بحرانی کنونی صیوانند نقش مهمی در
گسترش اعتراضات توده ای ایفاء گنسنده
سمی گردید در استعفاء هارانه به دلیل
شدت یاسی تضاد ها که امری جزئی وصادی
جلوه دهد. بطوریکه حتی مجلس تودیمس
هم در وزارت بازگانی ترتیب دادند که در
آن مجلس عسکراولادی اظهار داشت
"من بر طبق وظیفه شرعی به وزارت بازگانی
آمده بودم و طبق وظیفه شرعی دیگر استعفاء
نمودم" (اطلاعات ۱۵/۱/۶۲) - رژیم
حتی سعی کرد ارتباط این استعفاءها را با
گرایشها و جناح بندیهای درون هیئت
حاکمه پنهان دارد و اساسا به نفع هرگونه
اختلافی بر اید. زرهانی در مجلس برای
این نفعی اظهار داشت "اکثریت نمایندگان
مجلس که دولت ضمیمت ازاران و رای اعتماد
انهاست یک مجموعه یکپارچه و هم خط و
همدل است یعنی در مجلس هیچگونه دو
جناح سیاسی مساوی تندرو، کندرو یا
بیانه رو وجود ندارد که با هم اختلاف کرده
باشند تا دولت وابسته به آنها نیز ترکیبی
ایتلافی باد و طرز تفکر باشد" (اطلاعات
۱۶/۱/۶۲) اما تلاشهای رژیم بسرایی
پنهان داشتن اختلافات دیری نپائید.
سران رژیم خود با اظهاراتشان پیچود این
تضاد هارا اثبات کردند. نه تنها ضمیمس
استعفاءها خود مین وجود اختلاف نظرها
است بلکه نمایندگان مجلس و از جمله همان
زرهانی با این سخنان که "کشور مواجه سیا
شکلات فراوان و پیچیده است و دیگر برای
تحمل اینگونه جنگهای خانگی راند شدت
بد امنه تضاد هارا روشن کرد حتی ضمیمس
وزیر نیز که اکنون خود را در موضع قدرت
وی بیننده هنگام ارائه برنامه پچساله اول
به مجلس اظهار میدارد که در تدرین امین
برنامه سیاسی ارگانها و نهاد ها جز وزارت -
بازگانی و وزارت کار و امور اجتماعی همکاری
نرند اند" (اطلاعات)
اما این اختلافات که در ارگانهای سیاسی
مختلف حکومتی و عرصه های اجتماعی گساره
حزوت بر خورده های لفظی بیگانه بصورت
تجزیه های حادث مینموده از جمله سینه

اختلافاتی که بین وزارت صکن و شهرسازی
از یکطرف و حاکم شرع و ادعوی مستقر در
شهر آری تهران از طرف دیگر که شکایت آن
بعد از مدت ها پیش خصنی برده شد و او هم
بشورای عالی قضائی ارجاع گردید بالاخره از
صوی وزیر صکن و دعوا به مجلس کشانده شد
در کینرهای میان جبهه دانشگای، ستاد
انقلاب فرهنگی و وزارت علوم که به صدر
قطب نماه و ماده ای جبهه دانشگای در
برخورد به "ستاد" ضمیمس و صوی ارد بیلی
جبهه دانشگای رابه سخت گیری کفر فرا
خواند، برخورد و اختلاف میان مجلسین
از یکطرف و مجلس با هیئت دولت از طرف
دیگر، تا حائیکه خصنی با تمامی تلاشهایش
که اختلافات از برده برون نیفتد مجبور شد
بگوید "مجلس باید محلی برای بحث و
ساختن اخلاق جامعه باشد و انتقاد و
استیفا حق مجلس است، اما برخورد با
تخلف با آرا می و طرح مسائل اخلاقی بهتر
رفع اختلاف میکند تا با الفاظ نیشدار و -
مقابله با یکدیگر"، درگیری میان سپاه و
ارتش و اختلاف میان هر یک از این دو نهاد
که در سپاه به درگیری حاد نظامی کشیده
شده و علاوه بر این اختلافاتی که بین ارگانها
و مقامات رسمی جریان دارد، اختلافاتی که
در بین حاکمان غیر رسمی، فقها و ائمه
صمیمه و مراجع تقلید شدت گرفت کسه در
ارگانهای رسمی نیز انعکاس یافته از جمله
طرح اسلام رساله ای "اسلام فقهانی" که
بازتاب گسترده اش در مجلس و خصوصا
مجلس خبرگان تبلی یافت، تعالی امین
اختلافات زمانی شدت گرفت و ادغه آن به
گسیختگی در هیئت دولت کشید که نخست
وزیر با طرح نظارت محدود بر تولید و توزیع و
تثبیت قیمتها، حملات گسترده ای بگراچی
دیگر امانت عنوان گران فروشان و متحرکان
لغاز کرد که در پی آن نیز حمایت "خط امامی"
- هارا این حملات وسعت گرفت. بدین
ترتیب با وحدت نظری که میان خط امامی ها
و خط میانی حاصل آمد و با سخنرانی خصنی
علیه انجمن حججه و کلا علیه آنان که در
این مجسمه می گنسنده
شکای میان دستگاه حکومتی و عقور پیشروی
یافت که بالاخره بصورت گرایشی در کابینه که
خواهان کنترل نسبی دولتی بر تولید و توزیع
میباشد و سرمایه گذاری را در تولید ارجح
میدانند مختصرا به سفندی خط امامی ها و
خط میانی ها از یکسو و آنها که دست در سیر
گونه کنترل و نظارتی میزنند و خواهان
تجارت آزاد و اساسا مالکیت نامحدود
میباشند یعنی جریان لیبرال - حجتیه،
خود را آشکار ساخت. که بدین ترتیب
مرز بندی و گروه بندی های درون هیئت
حاکمه مشخص تر گردید هر چند که همیشه
اینجا فعالیت در عرصه های مختلف
اقتصاد سرمایه داری را قبول دارند اما با
نسبت های متفاوت.

سیاسی و اجتماعی است.
از او خرسال ۶۱ رژیم جمهوری اسلامی
برای مقابله با بحران اقتصادی و مقابله
با بحران اقتصادی و مقابله با رشد هر
بم افزون ناراضی توده ها، حرکت های
سرمهی برای بازسازی نظام سرمایه داری آغاز
کرد. رژیم تنه راه برون رفت از بحران و
تجدیل تضاد مات طبقاتی و بازسازی نظام
را از یک سو در اتحاد هر چه سرمه و نزدیک
با امپریالیستها بخصوص امپریالیسم امریکایی
یافت و از همین رواقطه ارد کردن توده ایها
بمخون کنونیست تبلیغات ضد کنونیستی
وسمهی راه انداخت تا به امریکا و دیگر
امپریالیستها اطمینان دهد که در سرکوب
توده ها و کنونیستهای واقعی و خاصیتان
زحمتکشان تابه آخر رسالت اثر انحصار
بدهد و آماده است تا تضادها خود را با
امریکا گسترش دهد که برای همین منظور
هم هیئت های را برای رفع اختلافات
گذاشته به امریکا امانت عنوان هیئتهای
حقوقی به امریکا اعزام داشت. و از صوی
دیگر رژیم سیاست داخلی نیز سعی کرد
در مقامی با گذشته اطمینان خاطر بیشتری
به بخش خصوصی بدهد تا به کمک
آنها از بحران خلاصی یابد.
از همین رو فعالیتهای اقتصادی را بیشتر
به بخش خصوصی سپرد و امکانات بیشتری
را نیز رده داد تا هم شرایط بهتر شود
بهتر برای سرمایه داران تامین گردد و هم
با تحصیل بار بحران سرودش کارگران و
زحمتکشان در این میان خود راه مغزی جوید.
اما از آنجا که شدت حرکت های اعتراضی
توده ای و فعالیتات و اساسا جریان حاد
مبارزه طبقاتی و مانع فعالیت در عرصه
تولید و سرمایه گذاری است با تمام اطمینان
که از سوی رژیم داده میشد، سیاست
جذب سرمایه ها و سرمایه گزاری امری آشور
گردید و فعالیت بخش خصوصی محدود به
تجارت و "آزاد" نمودن برخی کالاها از
صوی رژیم گردید. اما همین سیاست رژیم
موجب گشت که تورم بیش از پیش افزایش
یابد و نرخ کالاهای اساسی مورد نیاز
توده ها بصورت سرسام آوری بالا رود که این
خود موج جدیدی از ناراضی توده ای رابه
دنال داشت که رژیم را کاملا بوحشت
انداخت.
جریان افسریه و بی آمد های مشابه آن
به رژیم نشان داد که اعتراضات توده ای،
"بار سیاسی سنگینی" به همراه دارد و ادامه
وضعیت موجود رژیم را بسرعت در جهست
سرنگونی پیش خواهد برد. سخنان ناطق
نوری پس از رویداد افسریه شدت یابی
حرکت های اعتراضی توده ای کاملا وحشت
و بحران رژیم را زخمش و غلبان توده ها
آشکار میسازد. هراس از اینکه حرکت های
جنبش سیاسی و لاجرم به سرنگونی محتوم
رژیم انجامد. اگر قدری مسائل تهران
مثلا سیگار رسیدی کشور این برای کشور بار
سیاسی بوجود میآورد. مثلا جریان افسریه
یا اینکه کویک



سبک کار...

بقیه از صفحه ۱

چند صیاحی است که به شیوه تحریف، شایعه پراکنی و توطئه مسلط شده است. تسلط سیاست در پهلوتیک بر سازمان مجاهدین که جدا از وحدت آنان با پیروان می نتوانست باشد از کسوف و اوجگیری اوضاع انقلاب در ایران از دیگر موانع نتوانست برسد تا سیاست، اتهامات و توطئه های مجاهدین بر علیه نیروهای انقلابی و ملی انحصاری سازمان مانده اند. اخیراً نیز اخراج آقای صامع عضو مرکزیت سازمان و همراهی و همدلی با پدروخ نامبرده با "برادر رجبی" و فرصتی ناب برای نمایش فرصت طلبی های مجاهدین و "پیشبرد" سیاستهای تخریبی بر علیه سازمان بدست آمده است. نشریه مجاهد شماره ۱۶۰ که در خارج از کشور منتشر میشود طی درج نامه سرپا تحریف آقای صامع و نیز توضیحی ایضا سرپا تحریف برنامه مزبور، فصل جدیدی را ازین برشمی و نقیض اصول حاکم بر سیاستهای ما بین نیروهای انقلابی" گشوده است. از این حمله استناده تحریف نقش و عملکرد مبارزه صلحانه در ایران و از این طریق وارونه جلوه دادن سیاستهای سازمان، تحریف در نقیض و موقعیت آقای صامع، تحریف در سیاستهای سازمان نسبت به "شورای ملی مقاومت" و ایجاد شبهه در مورد گرایشات صفات در سازمان و اینکه گویا خط سازمان نبود فقط یکی از این گرایشات است! او..... و شگفتی عنصر انحرافی سازمان بطایفه عضو کشته مرکزی سازمان چریکهای فدائیس خلق ایران" که آشکارا مخالفت در امور داخلی یک سازمان انقلابی است، و تاکنون در جنبش انقلابی ایران یک چنین کسی - برشمی فی ما بین نیروهای انقلابی دیده نشده است. در این طریق مجاهدین و الحق که آقای صامع نیز سنگ تمام گذاشته است و برای خودی آمدن پیروان و خسارت پیروان و جهت اعتماد آنان نسبت به نسبت حسنه خود از هیچ کوششی فروگذار نگردد است. اما چرا مجاهدین و آقای صامع به چنین تاکتیکهای بسیار بسیار نریفته نقیض میزنند. باعدت گری، پیروان فریب خیزی نیست. موقتی در مبارزات توده ها، تک جوشهای انقلابی در اینها و آنها در کارخانه ها و شهرها وسعت می یابند. توده ها به تدریج مبارزه مستقیم انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی روی می آورند. آنهاست بالقوه و بطور غریزی خودشان سرنگون می شوند. رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومتی هستند که می توانند به مطالبات برحق و انقلابی آنها پاسخ مثبت بدهد. اما باید از همان توده که اینخواست انقلابی هنوز

در مرحله جنبشی بر سر پیروز و در برطنین مبارزات توده ها می توان این خواست را دریافت، توسعه مبارزات انقلابی توده ها و در حالت انقلابی پیشاهنگ و نیروهای انقلابی این ایزاری است که این خواستار ازین بدر آورد و در روند حرکت از پیروز به شعار انقلابی و روند زایش جنبشی مرحله جنبشی را تسبیح و هدایت میکند. همراه باطنی این روند و در مراحل نهائی، در هر انقلاب واقعه سیاسی افزایش فوق العاده ای از توده های که به "شرکت فعالانه منتقل و عملی در زندگی سیاسی و به تشکیل دولت میسر آید" را میتوان بعنوان مشخصه ای همه ذکر کرد. همین شرکت فعالانه منتقل و عملی توده ها است که توده های میلیونی را بطور واقعی و نه الزاماً بصورت رسمی حول آن برنامه عمل انقلابی بسیج میکند که در راستای مطالبات انقلابی و "تشکیل دولت توسط توده ها، قرار داشته باشد. توده ها در عمل انقلابی خود کلیه برنامه های پیروان - رفرمیستی و شیوه های بلاکیستی کسب قدرت را نقش بر آب می سازند.

اکنون هنوز توده ها بصورت گسترده به عمل انقلابی صادر نمی گردند، هنوز مطالبات انقلابی آنها در پیچیده و غریزی است و بیستاهنگ برولتاریا که حاصل برنامه عمل انقلابی است رهبری مبارزات توده ها را بر عهده ندارد. همین دلایل و دلایل مشابه الیترناریت قدرت سیاسی آبی بطور قطعی رخ نموده است. طبقات و اقلیت و نمایندگان سیاسی آنان برای حل مسأله حمایت توده ها کسب رهبری به یکساری سرنگون ساز میشوند و در این میان، اکنون تنها کمونیستها و در این میان سازمان ماست که با ارائه برنامه عمل انقلابی و اتخاذ تاکتیکهای متناسب با این برنامه بیانگیز واقعی مطالبات انقلابی کارگران و زحمتکش میباشند. هرچه انقلاب به پیش رود، هر چه که توده ها بیشتر فعالیت مستقیم انقلابی پیور آید، هر چه که سازمان ما در یکسر کمونیستها و نیروهای انقلابی در جهت تبلیغ و ترویج برنامه عمل انقلابی به پیش روند و هر چه که توده ها بیشتر به شعور سیاسی - انقلابی نائل شوند، نیروهای حاصل برنامه پیروان و رفرمیستی بیشتر ضروی شده و امکان فعالیت توده ای برای آنان سخت تر و تنگتر میشود، و زمینه های انحراف از مبارزه اصولی هر چه بیشتر گسترده میشود.

اگر میباید بین پس از پیروان در بطور رسمی "صحنه دگرگونی انقلابی" خود را قربانی اتلاف با پیروان - لبرال نموده و در پیروان این اتلاف هر چه بیشتر در - سیاستهای غیر اصولی در رابطه با سایر پیروان انقلابی و از جمله پیروان سازمان ما غیظه بر می خورد و با وجود این اتلاف که در -

تاکتیک و خط و برنامه خود را می نمایانند بناگردد همچنان باید به همین شیوه به پیش رود، اما زمینه های این اتلاف با تسلط سکانتسم و شیوه های دیپلماتیک مبارزه از همان آغاز تمام بهین ماه بند پیچ خود را در عرصه زندگی سیاسی جامعه آشکار کرد. امید و تمسک یافت. معاهدین در طی این مدت تنها در عرصه های مبارزاتی در اختفیه صحنه از سایر نیروهای انقلابی در بحالی بود و با آن نیروها در آن عرصه ضعیف بودند. در ضرایب صورت سکانتسم حاکم بر مجاهدین توجه لازم را برای نفی آن مبارزات ایجنده میکرد. اگر اکنون نشریه مجاهد طی توضیح خود برنامه آقای صامع "اتحاد مبارزه صلحانه" را به مطالبات مجاهدین و "پیروان پیشرو" شورای ملی مقاومت "محدود میکند، اگر چه تحریف واقعیت است و اما امری در برابرین با توجه به شیوه عملکردی مجاهدین نیست. زمینه های این نوع تحلیل های مشتمع از آن هنگام بی ریزی شده که مجاهدین عملاً تبعیت از پیروان را بیشتر خود کردند. معاهدین حتماً باید دارند که چگونه مبارزات حق طلبانه و صلحانه خلق ترکمن و کرد را به نفع رژیم جمهوری اسلامی تحریف و محکوم میکردند و علاوه بر نام سرکشانه سازمان مطرح میکردند که "اگر حسن نیت دارید از کلبه خارج شوید". در اینجا، این مبارزات توده ای محکوم بود چرا که مجاهدین با هیچ نقیضند اعتقاد و نقیضی پس اندک - در اعتقاد و از اینرو شیوه ای دیگر سیاست به پیروان خدمت کنند. اما حال، کسبه نیروهای سازمان یافته مجاهدین با اعمال ترور و قربانی های خود در راستای سیاستهای پیروان - رفرمیستی امکان عمل یافته اند، وضع بلکی متفاوت است، این اعمال بلاکیستی، دیگر "اتحاد مبارزه صلحانه" نمیتواند محسوب شود. از اینگونه مطالبات بسیار میتوان بر سر برد، بگذریم و بگذریم. غرض بیان زمینه هایی بود که مجاهدین بالاخره بطور رسمی تبعیت از پیروان را در برنامه عمل خود ضعیف کردند و سیاستهای سکانتسمی خود را عملاً به خدمت پیروان در آوردند. اگر در آغاز تشکیل شورای ملی مقاومت و احساس کسب قدرت سرچشم دعوت از سازمانهای انقلابی نیز در جمع شورای ملی مقاومت کفایت میکرد، اما با اختراع سازمان مالزیستون به ارگان سازش تحت سيطرة پیروان و بیلابش سازمان از گرایشهای انحرافی چپ و راست طی یک سال مبارزه آید و لایحه حاکم و تثبیت مواضع انقلابی فدائیس از یکطرف، و از طرف دیگر با تیره و تار شدن وضعیت کسب قدرت از سوی شورای ملی مقاومت، معاهدین هر چه بیشتر به سمت سیاستهای غیر اصولی شایعه پراکنی و توطئه و... در جهت منافع پیروان روی می یابند.

چرا مجاهدین بقیه در صفحه ۶

هر چه گسترده تر بپایان اتحاد عمل نیروهای دمکراتیک و انقلابی

م و م خود را بر سر جلیس
 نهادند و هاونبره های انقلابی به بیروازی
 انداخته اند؟ زیرا "خرده بیروازی در -
 زندگی خود وابسته به بیروازی است، زیرا
 بشیوه صاحبکاران زندگی میکند، زیرا این
 نیرو وجود اینکه اکثریت عظیمی را تشکیل
 میدهد " نمیتواند خود خوشتن را متظاهر
 سازد " بطور کلی در تحلیل نهائی "دوراه
 بیشتر وجود ندارد " یا تحت رهبری
 پرولتاریا یا تحت رهبری سرمایه داران، شق
 تائی وجود ندارد. نکته گمانیکه در آزادی
 این شق ثالث هستند، پنداریان و موهوم
 برستان بیچ اند. سیاست و اقتصاد دست
 زد بینه آنها میگردد " و تاکنون در هر سه
 جهانی همه کوششهای خرده بیروازی برای
 اینکه سیاست و اقتصاد را بشیوه خاص خود
 هدایت کند به شکست مواجه شده است.
 یک نمونه و نه بیشتر، فقط یک نمونه از موفقیت
 قطعی خرده بیروازی را در هدایت سیاست
 و اقتصاد بشیوه خاص خود بدانان دهید تا
 ببینیم! اما بطور مشخص و قطعی نیست
 میاهد بین باخط برنامه ای که ضمیمه از
 انقلاب طبقاتی آنهاست و در شورای ملی
 مقاومت تسلوگشته است، عملاً در کراسی
 انقلابی خرده بیروازی " رانمایندگی نمیکند
 اکنون و در اینجا، در کراسی انقلابی تنها
 در انقلابی پرولتاریا میتواند معنا یابد. به
 جزاین، خرده بیروازی با کمال افتخار تنها
 به پلکان صعود بیروازی مبدل خواهد شد.
 برنامه " دولت موقت جمهوری دموکراتیک
 اسلامی (برنامه شورای ملی مقاومت) به
 آخرین دستاورد و اد پیکالتیرین ا بر نامه
 " شورا " پس از " صفاق " را در نظر بگیرند،
 تا کیهایی کسب قدرت از سوی مجاهدین
 برای بیروازی را در نظر بگیرند، متحدین
 بین المللی " شورا " را در نظر بگیرند، تا بطور
 مشخص نیز خط مشی بیروازی را بطور صریح و
 نه پوشیده و تاکنون، و نه فزاه مشاهده
 کنید.

چرا مجاهدین خود را در مقابل
 سازمان می یابند؟ زیرا اما کویوم در دوران
 انقلابی " کارگران باید جسم و کوش خود را
 در مقابل فریب سیاستاران بیروازی باز
 کنند، بر مردم بیاموزند که بحرفی باور نکنند و
 فقط به نیروی خود، به تشکیلات خود به
 اتحاد خود و به تسلیم خود ضکی باشند.
 برنامه عمل انقلاب پرولتاریا آنچه را که
 اکنون بطور غریزی در رطن مطالبات و
 سازرات انقلابی توده های وجود دارد، به
 صورت روشنی نمود ارضاخته و جهت حرکت
 آگاهانه توده ها را برای کسب قطعی از
 شرایطی که در آن خفقان و فقر و فلاکت
 باز تولید میشود، مشخص میسازد. بر این
 اساس سازمان مائود و هار برای در هم
 شکستن نیروهای سرکوبگر رژیم و دستگشاه
 بیروکراسی سرمایه داری فرایخواند و بطور
 واضح اعلام میدارد که بدون چنین در هم
 شکستن، هر چند که توده های باطنی تمام
 در انقلاب شرکت بوزند، بازگشت به رژیم
 قدیم اعم از نوع جمهوری اسلامی یا سلطنت و

بیلبک کار...

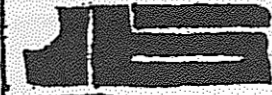
بقیه از صفحه ۵

بازخونه های مشابه امری مسلم خواهد بود.
 استقرار ارگانهای اقتدار توده ای و بطور
 عمد و شوراها را تبلیغ و ترویج میکند و در آن
 جهت سازماندهی مبارزات توده ای رایج
 بعضی صورت، شوراها ای که عملاً و رسمیا
 حاکمیت کارگران و محنتشان را ضامن میکند
 و تدابیر و تشبیهات آنرا ضمیمه میسازد. بر علیه
 مسم و استثمار سرمایه داری و مبارزه ضمیمه
 اصرار ایستی توده ها اقدامات مشخص
 پر رخنه را سازمان میدهد و کلاً امر دموکراسی و
 آزادی، رفاه اجتماعی و میسازد
 ضد اصرار ایستی رانه در لقاچه های بیچ و
 بی معنی و فریادگانه، بلکه بصورتی صریح و
 عملی از رطن مطالبات و مبارزات توده ها
 استخراج کرده، جمع بندی میکند و توده ها
 هار اصول آن به مبارزه فرایخواند.
 مجاهدین، اما، با برافراشتن بیسوق
 جمهوری دموکراتیک اصلاسی، با تشبیه
 "بنا" نهاد های سرکوبگر و دستگاه بیروکراسی
 با تشبیه قدرت بیروازی، با تشبیه کردن -
 ضمیمه شوراها از قدرت توده ای، با لوث
 کردن اهداف مبارزات فدائیس و
 تقلیل آن در حد خواست و توان بیروازی و
 ... در یک کلام حد گذاری به اهداف
 بیروازی لیبرال، الزامات نمیتوانند در مقابل
 با برنامه عمل انقلابی پرولتاریا قرار بگیرند.
 و هر چه که در اثر تبلیغ و ترویج پیشاهنگ
 پرولتاریا توده ها بیشتر به حقایق برنامه عمل
 انقلابی واقف شوند، آگاه گردند و در این
 برنامه بسیج شوند، زمینه های مقابله جوی
 مجاهدین، تازمانی که از سیطره بیروازی -
 رها شده اند، افزون تر میشود.

مجاهدین در مقابل سازمان قرار
 دارند زیرا که شیوه های کسب قدرت -
 سیاسی نمیتوانند در خطوط کلی خود از
 اهداف برنامه ای (توده ای) جدا
 باشد. شیوه کسب قدرت بطریق بلانکیستی
 از بالا، با چانه زنی های دیپلماتیک با
 جناحهایی از بیروازی از بیخ وین با جنبش
 انقلابی توده ها در تضاد آشکار است. اگر
 در محبوحه انفجارات و ترورهای بی دریغ و
 بی پرومهای مجاهدین، توده ها بهیست
 زده و خیره درنگاری به قهرمانیهای
 مجاهدین چشم دوخته بودند، اگر سر
 کمونیستهای بطور عموم، سازمان مائود
 (تحت شرایط دوران بازسازی پس از
 انشعاب اکثریتی های خائن) توان برنامه
 شخصی در آن دوران طوفانی برای دخالت
 فعال انقلابی در قزاقان داشتند و فاعل
 شدند، اما با بطور تریبی این تیسو
 سازراتی، توده ها به تدریج خود آمدند،
 بهت زدگی جای خود را به عقب نشینی وقت
 برای تجدید قوا، ارزیابی شرایط، و کشف
 شیوه های مبارزاتی جدید و شرایط جدید

داد، روز شماری ها و ماه شماری های -
 مجاهدین برای سرنگونی رژیم و کسب قدرت
 از بالا و مستقل از توده ها، بکرضحکه ای -
 بیش نبود. سازمان، اگر چه از همان ابتدا
 خطوطی عام از انحراف مجاهدین را نمایان
 کرد (مثلاً رجوع به های رزی و عملیات رزی)
 اما با برخوردی کمونیستی نسبت به کاستی ها
 و نواقص خود، بارش به یاری از انحرافات خود
 با جمع بندی از شیوه سازراتی پس از قیام
 بهمن ماه و شیوه پس از ۳۰ خرداد، خود را
 تصحیح نمود و در گذرگاه سازمانی خطوط
 اساسی برنامه و شیوه های مبارزاتی منطبق
 بر این برنامه بتصویب رسید. بر این اساس
 اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه
 توده ای، اینست آن شیوه سرنگونی انقلابی
 رژیم جمهوری اسلامی که در همین آن توده
 خود نیز به تشکیل دولت صبر از دست
 سازماندهی کمیته های مخفی اقتصاد و
 مقاومت، اینست آن نوع سازماندهی که بنا
 به شرایط خفقان آمیز جامعه، توده ها
 ضمن پیشروی برای اعتصاب عمومی و قیام،
 نطفه های ارگانهای اقتدار توده ای خود و
 بطور عمد و شوراها را می پروراند. آیا این
 شیوه مبارزاتی و این نوع سازماندهی
 میتواند در پیشروی خود، در مقابل با کسب
 قدرت از بالا قرار گیرد؟ و آیا میتواند در
 مقابل با برنامه ای که هم خود را بر سر حفظ
 ارگانهای سرکوبگر و دستگاه بیروکراسی و
 استمرار قدرت بیروازی گذاشته است، قرار
 بگیرد؟

خط مشی مجاهدین که بر مبنای منافع
 بیروازی لیبرال رقم میخورد نمیتوانست در
 عرصه جهانی نیز خود را نشان دهد. اکنون،
 در وجهه عهد و سوگند - دموکراسی اروپا
 ضد بین المللی شورای ملی مقاومت صعب
 میشود. بی بینند، خط مشی انقلابی
 ضد بین بین المللی انقلابی می طلبد!
 در همین حال همین ضد بین المللی، یعنی
 سوگند دموکراسی اروپا، همزمان هم با
 رژیم جمهوری اسلامی لاس میزند و هم با
 سلطنت طلبان سرسری دارد. ضد بصهار
 شرافتندی است! والته انقدرها هم خام
 نیست که بخاطر خط و مرزهای فرعی، بخاطر
 شیوه های مختلف حدوتی در چارچوب -
 سرمایه داری برای تدابیر سرمایه داری -
 همه تخم مرغ هار در یک سبد بگذارد. به
 هر حال اتفاقی نیست که برنامه با اصطلاح
 فدائیس ایستی شورای ملی مقاومت مسود
 پشتیبانی ضد بین بین المللی واقع میشود.
 و اتفاقی نیست که شورای ملی مقاومت توسط
 مجاهدین سعی در مقابل با کمونیستها و به
 ویژه سازمان مائود دارند. یا بهر چه
 شورای ملی مقاومت، واخته شدن کمونیستها
 در حد مورد قبول سوگند - دموکراسی و
 نشدید مبارزات فدائیس. اینست
 شیوه با اصطلاح دموکراتیکهای مائود
 جنبش کمونی. مجاهدین هر چه که بیشتر
 از جنبش توده ها در می بینند و هر چه که
 بیشتر بر متحدین بین المللی خود تکیه
 میکنند، الزاماً باید مبارزات فدائیس
 خود را از دست



هرچه سریعتر نظام رادراتحاد سیاستهای
فهری برای نزدیک به بیست و سه میلیون ایرانی است
- ها و درنظری هرگونه عقب نشینی در برابر
جنش توده ای می بیند، این جناح و دیگر
دران چنین سیاستی را سروری شده میدانند
و با هرگونه اصلاحات نیم بند که از سوی خط
امامی ها برای تعدیل تصادمات طبقاتی
ارائه شود مخالف است و معتقد است که
دیگر بران کج در و مرز سروری شده است.

در مقابل این جناح و همچنانکه گفتیم
جناح خط میانی ها و خط امامی قرار
دارند که در این مقطع همسویی هائسی
یافته اند و خطر جریان مقابل را که طی این
مدت در نهاد های حکومتی نفوذ کرده و
از پشتیبانی فقها و مراجع تقلید نیز برخاسته
دارند و حتی شورای نگهبان را نیز پشاسه
ارگان پارلمانی خود در اختیار داشته اند،
حس کرده اند، از این رو هزارگانهی خصوصا
زمانیکه اختلافها شدت گرفته مسئله
گودنای خزنده را به نفعی طرح کرده اند
بنابر این این جناح اکنون که از حمایت
خضی در این خطه برخوردار است و تلاش
میکند در عین تصفیه معدود برای جلوگیری
از سقوط کابینه با بیرون راندن عناصر جناح
مقابل از هیئت دولت، کابینه طلسم
خوبی را بوجود آورد، شدت و دانه تضاد
- ها را تنظیم و کنترل نماید تا جریان امور
از دست خارج نشود. از همین زاویه است
که زرهانی به ضد استعفای وزیر صنعتی
نیز اعتراض میکند و انرا بدلیل آنکه "نگران
کننده و مسئله ساز بوده و باعث تشدید
شایعات گشته" (اطلاعات ۱۶/۵/۶۲)
مورد انتقاد قرار دهد، و از نخست وزیر
میخواهد که ترسم کابینه به نحوی باشد
که "باعث کاهش اختلاف و مشکلات و -
کاهش در امور دولت... شود" و اظهار
صدار برای انتخاب و معرفی وزیر
جدید باید شرایط عمومی کشور و تنگناها
و دیدگاههای روشن مجلس را در نظر گرفته
و همین وجه افراد ضعیف و ماضله سازی
که در طمع من است باعث ادامه کشاکشها
و درگیریهای دیگری شوند به مجلس معرفی
نمایند" و خطاب به عناصر مخالف باقی
مانده هشدار میدهد که "گنیه انضامی
کابینه نیز باید به این معنا واقف باشند
که شرعا و قانونا تحت تاثیر عوامل خارجی
ولو مقدس، حق جناح بندی و موضع گیری
ندارند زیرا مرجع ضرورت آنان رای اعتماد
مجلس است" (زرهانی - همانجا). علاوه
بر اینها، این گروه بندی جدید هم برای
مقابل با خطر جناح مقابل و هم بازسازی
نظام ویرانه افتادن تولید، برخلاف جناح
عسکراولادی، خواهان انجام یکسری -
اقدامات و یاد رواقع عقب نشینی در برابر
جنش توده ای و چریکهای اعتراضی است.
که در واقع طرح و کنترل قیمتها و مخالفت با
افزایش بی رویه آن بقیه در صفحه ۸

رژیم در مقابل با جنبش توده ای که هر روز
کنش و وضع بیشتری می یابد و از سوی دیگر
در نیاز رژیم به تمرکز هرچه بیشتر در
دستگاههای حکومتی و ایجاد دولتسی
یکپارچه که هر دو جناح خصام بضرورت
آن می بردند، جستجو کرد. چه هر دو
جناح در این عقیده وحدت نظر دارند که
در شرایط کنونی بیش از همه می باید سه
ثبات دست یابند و اینکه با یکپارچگی دولت
و انجام بیشتر در دستگاههای حکومتی و با
کاهش اختلافها بتوانند هم به تصمیم و
انجام ابراز سرکوب خود بپردازند و هم
بازسازی نظام و برقراری و تثبیت نظم سرمایه
ز سرعت بخشند و از این طریق مقابله بسا
بحران و لاجرم تعدیل تصادمات طبقاتی را
تسهیل و تسریع نمایند. در اینجاست که
خواستار وحدت تبه تجزیه ضرر کرده و -
در کابینه که خود تا مدت ها بعنوان پست
مجموعه (هر چند نامحاسب) در مقابل
اکثریت مجلس قرار گرفته بود گسست و شکافی
را موجب شود و گرایشی که عسکراولادی ها
نمایندگی اش میکنند در مقابل همسویی
سیاست میانی ها و خط امامی ها قرار بگیرد
و تضادها را شکل عینی بر رویارویی مستقیم
برای قیضه کامل قدرت و ولتی عیان میکرد.
جناح عسکراولادی که بدلیل عدم توازن -
قدرت و خود را در شرایط قیضه کامل قدرت
دولتی نمی بیند و یک گام عقب می نشیند تا
در لحظه مناسب، تهاجم قطعی رانه تنها
علیه خط امام بلکه صولفین در بر خود در
کابینه یعنی گرایش میانه (سرحسین موسوی
و...) آغاز کند و آن لحظه مناسب زمانی
است که بتواند با تمام مسئولیت بحران و -
نارسانی ها و برآورده نشدن نیاز توده ها
رایه گردن دولت یکپارچه تشکیل از
خط میانی ها و خط امامی ها بیاورد و بسا
تلاشی این دولت خود تمام اهرمهای قدرت
را در اختیار بگیرد، این جناح از هم اکنون
با "فقیه الامیر" خواندن عسکراولادی از
سوی شفیق وزیر درخواست پذیرش استعفا
از وزیران کابینه پس از استعفای خود وزیر
از موضع قدرت برای قیضه کامل قدرت دولت
در آینده حرکت میکند. برای دستیابی سه
جنبش هدفی، این جناح صلمسا سعی
خواهد کرد باتشدیدی ثباتی و متزلزل
کردن بیشتر کابینه زمینه های تلاشی دولت
یکپارچه را بیش از پیش بوجود آورد از
جمله بایبیره گیری از ناتوانی دولت موسوی
در پاسخگویی به نیاز توده ها، استیضاح
وزرا را از سوی نمایندگان جناح خودی آغاز
میکند و همچنین با استفاده و اتقاد از سیاست
بینابینی خط میانی که گاه با اتحاد سیاست
صوت مورد نظر خط امامی ها در لفظی بپردازد
به اختلاف مجلس و دولت
دامن خواهد زد. زیرا این جناح نه تنها
این سیاست نفط میانی ها رانه مانعی برای
حل بحران می بیند، بلکه اساسا بازسازی

گسیختگی... بقیه از صفحه ۶

بوجود آورد... مردم حق دارند از -
نارسانیهها انتقاد کنند و مکن در این
میان چند نفر از افراد گروه کبایم رهبری
جریان را درست بگیرند... نمی شود
گفت که این مردم ضد انقلاب هستند و اتفاقا
اثر سیاریدی داشت اینک بعضی ها گفتند
همه آن مردم ضد انقلاب بودند... باید
به مردم برسیم... با این ملت نباید سخن
برخور کرد" (ناطق نخوی، کیهان ۲۵/۵/۶۲)

همین تظاهرات خیابانی و اعتراضات
عینی به رژیم ثابت کرد که توده های چنان
درجه ای از شدت و آگاهی مبارزاتی رسیده اند
که برخلاف دوران حاکمیت رژیم گذشته
بیشتر پیوند رژیم سرمایه داری حاکم را بسا
امور ایستادگی در می یابند و چنان خشم و کین
نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دارند که به
رژیم اجازه نخواهند داد تا این سیاستهای
ضد انقلابی خویش را در عرصه داخلی و
خارجی که بقیه فقر و فلاکت بیشتر
توده هاست بر احثی پیش برد. اما همین
حرکتها بود که ای از سوی بصورت تشدید
تضاد های جناحهای مختلف رژیم انعکاس
یافت، چرا که عدم موفقیت رژیم در پیشبرد
این سیاست - بشکلی که انتظار آنرا
داشت - جناحهای مختلف درون هیئت
حاکمه رادراتحاد نحوه بازسازی نظام و
چگونگی برقراری ضامیات با صلی ایستادگی
بر روی بک دیگر قرار داد بطوریکه نتیجه
بسی این حرکت توده ای در وضعیت
خشدن به اختلافات درون دستگاه
حکومتی و تغییر سیاست رژیم برای حل بحران
اقتصادی و مقابل با جنبش توده ای بود.
وضع گیری موسوی نخست وزیر در برابر
"گرافروشان و معتکین" و مبارزه بسا
تروریسم اقتصادی و طرح نظارت دولت بر
تولید و توزیع و سرمایه گذاری هرچه بیشتر در
بخش تولید و پشتیبانی برخی نمایندگان
مجلس و نهاد های رژیم جمهوری اسلامی در
واقع اتحاد سیاست جدیدی بود از سوی این
جناح در مقابل سیاست جناح دیگر. البته
این بدین معناییست که این سیاست
خلق الساعه در همان لحظه "هشدار"
بوجود آمد. تداوم اختلافات و تضادها بر
سربازسازی نظام در عرصه های مختلف از پیش
خود را نشان داد و بود. اختلافاتی که
بیشتر در مجلس به هنگام تصویب لایحه ای
بروز می نمود از جمله لایحه بانک و... این
لحظه تنها نقطه اوج اختلافات بود که سه
کناره گیری و وزیر ضرر کردید.

از این رو گسیختگی در هیئت حاکمه را
می باید از یک صودر نتوانی دستگاه سرکوب

۴ ساعت گاره دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

گسست . . .

بقیه از صفحه ۷

برقراری حالت تعادل نسبی از همین زاویه از سوی این جناح صورت گرفته است تا با کاهش نارضایتی نوده ها، فرصت بیشتر سیاست بازسازی را با مصورت کام بگیرد، هم در سیاست نزدیک با امپریالیسم و هم در عرصه داخلی فراهم آورد.

اما این فرصت برای این جناح پیش نخواهد آمد و جناح دیگر نیز بیایستد همچنان در انتظار قبضه کامل قدرت دولتی بنشیند زیرا همچنانکه تحرکات تجزیه های گذشته در دستگاه حکومتی بهینه نشان داده و رژیم اگرچه توانسته است امروز از طریق ایجاد تبریز و انجام نسبی بصورت موقت از اجاع "خطر نساک" حاکم برجایمانه جان سالم بدر برد و کنترل اجاع را تا حدودی بدست گیرد، اما بحران حاکم برجایمانه که ناشی از ساختار سرمایه داری وابسته و اتخاذ سیاستهای متناقض رژیم جمهوری اسلامی است و از آنجا که ریشه اختلافات درونی رژیم برای کسب قدرت را نه این یا آن سیاست بلکه تناقضات احتمالی تشکیل میدهد، پس از هر تجزیه اختلافات و تضاد های دیگری در دستگاه حکومتی بومود می آید که منجر به جناح بنددیمسای جدید و مشخص تری میگردد.

رژیم پس از تجزیه گذشته و بصورتی موقت توانست اعتراضات نوده ای را سرکوب نماید و آفت موقت در جنبش نوده ای به وجود آورد اما مدتی پس از آن حرکت های نوده ای با ابعاد وسیع تر و راسخ گسسال پیشرفته تری در برابر رژیم رخ نمود و است و این بار نیز در صورت بروز گسستگی دیگر از هر چند بدلیل برخی همسانی ها و پایه های مشترک میان دو جناح کنونی از یکسو از سوی دیگر رشد جنبش نوده ای این گسستگی غیر محتمل بنظر می رسد چرا که حتی با برنامه ریزی برای سرکوب جنبش نوده ای ها از سوی جناح مقابل که نتیجتاً شدت یابی درگیر با و گاه نگاه درگیر سیاسی سلطانه را نیز میتوانستند بدنبال داشته باشند، در جناح در مقابل تعمیق مبارزه طبقاتی و گسترده گنجیبش نوده ای، چون نیروی واحد عمل خواهند کرد (یا ز همان قانونمندی طی خواهد شد، فقط آنروز که با گذشته متفاوت است این است که آن در گذشته بخشهای قاسبل نوجویی از نوده های متوجه بدنبال سیاست های سرکوبگرانه رژیم روان بودند و رژیم را در این امر یاری می رسانند، اما این بار رژیم نوده در میان اکثریت نوده ها بیزوله گردیده و دیگر توانایی گذشته را در جهت برنامه ریزی بند تجزیه دیگر و مقابله ناسی انده های احتمالی آنرا ندارد و به همین خاطر است

که مقامات رژیم سعی میکنند از پیش خطرات احتمالی را از نای و سپس کام بردارند و تحفه های محدود در کاخینه را نیز در همین رابطه باید ارزیابی کرد. زیرا از سوی رژیم هم میدانند که کنار گذاشتن جناح عسکراولادی از دستگاه حکومتی به معنی خواهد شد تا این پسیمون دیگری به جناح ضد انقلاب ضلوع افزوده گردد و این خود موجب خواهد گشت تا رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار شدید تری ناشی از نارضایتی بازاربان و تجار در آینده قرار گیرد که این امر خود بر شدت بحران اقتصادی و لاجرم نارضایتی نوده ها خواهد افزود و زمینه های اعتراض ها و فعالیتات بیشتر و گسترده تری را فراهم خواهد آورد.

بهر حال اگر رژیم موفق هم نشود اختلافات را برای ایجاد تمرکز در دستگاه حکومتی کاهش دهد و حتی موفق شود عناصر جناح عسکراولادی را از هیئت دولت کنار بگذارد (ولی چنانکه گفتیم امری غیر محتمل بنظر می رسد) باز هم چنین موقعیتی موقتی خواهد بود، بحران حاکم برجایمانه و نظام برکنشته اقتصادی و جنبش رویش نوده ای نه تنها تضاد های دیگری را درون هیئت حاکمه با ابعاد وسیعتری در ان خواهد زد بلکه این تجزیه که اکنون درون کاخینه هدت یافته و در ارگانهای پائین تر از شدت کشری نگاه در این یا آن نهاد رخ می نماید تمامی ارگان حکومتی، از سطح بالا تا پائین، تمامی نهاد های رسمی و غیر رسمی را با شدت بیشتری در بر خواهد گرفت که تاگزیر شدت بحران و ناسوانسی رژیم در پاسخگویی به نیاز نوده ها را در بری خواهد داشت که نتیجه تمامی آن باز هم رشد بیشتر و آگاهانه تر مبارزات نوده ای خواهد بود. از این رو تنها یک راه حل در برابر رژیم باقی میماند، توسل صرف به امسزار سرکوب، سیاستی که اماه تنها تلاش رژیم را تسریع و نزدیکتر می نماید.

اینجا است آن زمینه های اساسی بدن بست قدر رژیم که اجازه میدهد رژیم جمهوری اسلامی با اتخاذ این یا آن سیاست "آزاد" کردن برخی کالاها و اعمال نظارت دولتی بر برخی فعالیت های اقتصادی - و سایر تانوعی چند زیر بار احتی کارگرداردن - جناحی از دستگاه حکومتی به مقابله بسا بحران موجود برود چرا که همچنانکه پیش از این نیز اشاره کردیم، وجود تضاد ها برخاسته از بحران لاینحل ایران انقلابی و تناقضات احتمالی است که شدت و دانش تضاد های درونی رژیم را تغییر قابل کنترل می نماید، تضاد هایی که تنها می تواند در عرصه یک مبارزه طبقاتی حاد و بانسلاسل رژیم جمهوری اسلامی حل گردد.

در جهت حفظ سرمایه بهرگز نباید چرا که هیچ نوفنده و انقلاب صرف تا غنیمت نامی استثمارگران را برکنند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به زیر سر نیزه تا کسب توانسته است آفتی را بر جنبش نوده ای - تحمیل کند ولی طغیان آنان بر سر نوده نمیتواند بنشیند اگر چه چون یکسال اخیر هزاران نفر از فرزند ان راستین خلق را بچونه های اقدام بسیارند. ولی انقلاب لاینقطع راه خود را با تمام فراز و نشیب طی خواهد کرد. انقلابی که رهائی کارگران و زحمتکشان را به ارمغان خواهد آورد. انقلابی که سرمایه داران، امینزالسوان نوده ها را برکنار خواهد کرد. ولی برای رهائی از یوغ ستم سرمایه باید جانفشانیها را از خود گذشتگیها کرد و این را کویستهار طول تاریخ نشان داده اند که فدائیکارانه نه تنها برای رهائی خلقهای صیبن خود بلکه خلقهای سراسر جهان مبارزه ای بی امان برداخته و خواهند برداخت.

سازمان عارفای بسیاری را در راه پسر روزی و بهزیستی خلقها از دست داده است. جمید اشرف عا، نظامها جهان ها . . . و سینا . . . رفیق سینا در پهن ۱۳۳۰ در یکی از دهات اطراف کرمان بدنیا آمد نوده - ابتدائی را در ره های جا و دوره متوسطه و دانشگاه را در تهران به اتمام رسانید در این دوره که رفیق سینا از نزدیک شاهد فقر و بدبختی نوده های رنج دیده و میهنان بود جنبش دانشجویی را برای سسارزه برگزید و یکی از فعالین جنبش دانشجویی شد. بعد از اتمام پهن ۵۲ در ارتباط با سازمان فعالیت خود را ادامه داد. او خستگی ناپذیر با شور و شوق در انجام وظایفش میکوشید. بعد از اتمام سساراب این نونیمت های اکثریتی رفیق از موضع انقلابی به افشاء اکثریتی های خائن پرداخت. رفیق مسئولتهای متعدد دی را بر عهده داشت در ابتدا مسئول چند هفته چاپ و توزیع بود و سپس مسئولیت بخش یگانگان سازمان را بعهده گرفت و همراه رفیق جهان مبارزات یگانگان را در سطح کشور سازماندهی میکرد آخرین مسئولیت او در بخش توزیع سازمان بود که در ۲۲ اسفند ۶۰ در ارتباط با احمد خائن توسط پاسداران سرمایه در خانه اش دستگیر شده و مدت ۴ ماه زور شد بدترین شکنجه ها را گرفت ولی همچون سایر فدائیان صبر حکوت بر لب داشت. رفیق عزمی راسخ به آرمان خود داشت و از خصوصیات رفیق صداقت و شکیمائی اش بیش از هر چیز دیگری بارز بود.

رفیق سینا در اردگاه به ۱۵ سال حبس محکوم شده بود اما بدنبال اغتصاب غذائی که از زندان زندانیان ترتیب یافته بود در ۲۷ تیرماه ۶۱ بدست مسزدرمان رژیم اقدام شد.

پس از ش گرامی باد



در راستای . . .

بقیه از صفحه ۱

رای رنگ سازمان . هر چند که سرکوب و محاصره و ایجاد جو خفقان و اعدام و شکنجه و دستگیری های وسیع بطور اجتناب ناپذیری منجر به ایجاد اوضاعی در مبارزات علنی بود و عاقدیده و لیکن همانطور که انتظار صرفت افت حاصله در مبارزات بود و هاسرود تا آغاز نه زب شدن نماید . اصولا قابل تصور بود که سرکوب به تنهایی نمیتواند و در هیچ زمانی نیز نتوانسته است که بر مبارزات بود و هاس فائق آید . تجربیات جهانی ثابت میکند که سرکوب به تنهایی فقط میتواند حد اکثر ای یک دور و همین وگونا از بر اید علنی سرکوب جلوگیری کرد و در همین حال طی این زمان همین بده خود مبدل شود و یعنی خشم بود و هار اضرکم کرد و انفجاری بی روی انقلاب را تشدید نماید . سرکوب زمانی میتواند برای مدت زمانی طولانی تر موثر واقع شود که توأم با فرم های اجتماعی صورت بگیرد . اما رژیم جمهوری اسلامی نه خواست و نه توان انجام فرمهای اجتماعی را دارد از اینرو ، سرکوب نمیتوانست به کساکش انقلاب و ضد انقلاب پایمان بخشد و برای یک دوره کامل ضد انقلاب را بر جاسه مسلط گرداند .

امروزه دیگر هنگامی که خبر اغتصاب کارگران کارخانه شیشه سازی قزوین بخاطر اخراج مدبران و آزادی رفقای دستگیر شده و آشنایان رای ششم ، یا هنگامی که خبر اغتصاب در کارخانه های شهر صنعتی البرز کارگران معدن نغال سنگ ظاهر بود و خبر سن کارگران کارخانه ارج بخاطر تعطیلی روزهای پنجشنبه رای ششم ، یا هنگامی که می شنوم کارگران کارخانه کفش ملی یکی از اعضا هیئت مدیره (مدیر کارخانه آزاد یکی از ۱۸ کارخانه کفش ملی) که نماینده دادستانی نیز میباشد را شک فکلی میزنند و او و عوامش را از کارخانه بیرون کرده و اعلام میکنند که دیگر حق ورود بکارخانه ندارند . . . بسیاری از لغتصایات و لغتراضیات دیگر همه نباید شروع گسترش جبهه در مبارزات انقلابی بوده هاست .

اگر بپذیریم که " انقلابات هرگز حاضر آمانه متولد نمیکردند ، بلکه " آنها با اغلب بوسیله یک جریان بی وقفه ، جریانی جنبشها ، شورشیها و شروع انقلاب پیشرفت مینماید . . . آنگاه آسانی بایست پیشروی انقلاب بسوی اغتصاب عمومی و قیامی مجدد را در همین مبارزات کمونی بمثابه جزئی از آن " جریان بی وقفه " جستجو نمود ؟

برای درک رابطه مبارزات کمونی بسا پیشروی انقلاب بسوی اغتصاب عمومی و قیام

ضروری است که در ضمن کمونی مبارزات بود و میوه کارگران تا لحظاتییم . باید دید آیا خواصتهائی که در مبارزات بر آنگشته و کارگران طرح میشود در ضمن خاص دارای یک ضمن مشترک میباشد ؟ آیا خاصین مشترکی که در لغتصایات بر آنگشته وجود دارد خاصیتی انقلابی است ؟ باید دید آیا همین تک جنبشهای انقلابی بود هها (نظرات خد جنگ ، مبارزات خارج از محدوده و . . .) مبارزات موجود طبقه کارگران نقطه نظر ضمن مبارزاتی ، رابطه ای همین میتواند وجود داشته باشد ؟ اگر چنین است یعنی اگر مبارزات کمونی دارای ضمنی مشترک و انقلابی است ، دیگر نمیتوان به این مبارزات بنامه یک امر پیش پا افتاده و عادی نگریست بدین معنی است که این مبارزات الزاماً در قده میای اولیه ، خاصین مشترک جنبش عمومی را بطور صریح و مستقیم بنمایش نمی گذارند . اما مهم این است که مبارزات موجود نقطه های آن خاصین مشترک و نهائی جنبش عمومی را در ابر باشند . در اینصورت ، همین مبارزات ، نقطه های اغتصاب عمومی هستند که نه بصورت بخشی بلکه تحت شرایط اغتصاب از جاسه ، سرعت از حالت نقطه ای خارج شده و عمومیت می یابند . از اینرو با بررسی اشکال و خاصین مبارزات جاری میتوان به نقطه های آن مطالبات مشترک عمومی دست یافت ، صانجه بسنه راستای مبارزات و آن مطالبات عمومی که از دل مبارزات جاری استخراج میشود به به نجات آگاهانه در عمل بود و ای بود رجعت ارتقا ، آن ، صادرت برزید .

با درک یک نمونه از میان نمونه های ضد مدی که طاراً احاطه کرده اند به تشریح بیشتر موضوع صبر ازیم : بر اساس گزارشی از کارخانه شیشه سازی قزوین در تاریخ ۸ / ۱۱ / ۶۱ کارگران بعد از پایان ساعت کار خواهان اخراج مدبران طاقتی میشوند و از همین روز درگیری بین کارگران و مدبران بالا میگردد و بسا و از جریان میشود و کارگران را تهدید به دستگیری و اخراج و کشتار میکند اما کارگران ضد مقاومت مینمایند و در نتیجه از طرف سباه مدی عاظمی طاقتی عوض شده و شخص دیگری در رأس کار قرار میگردد . اما حدود . . . این از کارگران ضد مقاومت مینمایند و یکبار چه خواهان اخراج مدی سر انتصابی جدید نیز میگردد . در پی این مسئله سباه خواهان تعیین نمایندگان از میان کارگران میگردد و کارگران هتن از میان خوش انتخاب مینمایند ، اما آنان بوسیله سباه دستگیر شده و اغتصاب همچنان بخاطر آزادی نمایندگان تاریخ ۱۴ / ۱۱ / ۶۱ ادامه پیدا میکند ، تا اینکه نمایندگان آزاد شده و مدییرانی به انتخاب خود کارگران برگزیده میشوند .

مبارزه کارگران بر علیه مدبران در منابع و کارخانهات مختلف مبارزه ایست که در

صلح و صمیمی بودن دارد : نمونه ذکر شده در فوق نشان میدهد که اشتباه بزرگی خواهد بود اگر مبارزات کارگران علیه مدییریت را بنامه صرفاً " خوب " یا " بد " بودن این میان مدییران کنیم . اگر چه این امر صورت بوقت در مواردی میتواند کار ساز باشد ، اما عمومیت ندارد . پس چه چیز کارگران را بنامه مدییریت بر می انگیزد و آنها را مستقیماً در روی مدییران قرار میدهد و در مواردی این روی مدییران به اعمال قهر آمیز از سوی کارگران منجر میشود ؟ بصارت دیگر این مبارزه کارگران با زتاب چیست ؟

کارگران در پی چه تولید سرمایه داری ، استثمار میشوند و فشار این استثمار را بر زندگی خود حس میکنند . غرض از مبارزه کارگران که بسا

فروش نیروی کار در پیوسته گردن سرمایه باز تولید میشود استوار را بطور غریزی بجایزه بر علیه این سیستم مینمایند . در طول این مبارزه غریزی ، کارگران به عناصری از علت سه روز غریزی میگردند و فشار ااماج مبارزات خود قرار میدهد . اما در این مبارزات خود به خودی ، کارگران نمیتوانند این عناصر را بهم پیوند دهند و به درک از علت اساسی فلاکت خود که شیوه تولید سرمایه داری است ناائل شوند . در همین حال مبارزات کارگران در دوران انقلابی ، که شخصیات فرم را در آن نیوده و بر بنیادی انقلابی استوار است ، شرایط مساعدی را در جهت حرکت از - مبارزات غریزی و صنفی به مبارزه طبقاتی ایجاد میکند .

اکنون ، مبارزه کارگران بر علیه مدییران در این محدوده هر بیان دارد . مدییران بنامه حامین سرمایه ، ملجوس ترین نمودی از سرمایه داری هستند که مستقیماً و بلا واسطه در مقابل کارگران قرار دارند . بر این اساس کارگران از طریق مبارزه بر علیه مدییران ، اگر چه بطور غریزی و نقطه ای ، لیکن در حقیقت نظام سرمایه داری را زیر سوال میکنند و در ضمن این مبارزه ضمن کنترل کارگری نهفته است . ضمنی که بسا کارگری بنامه سنگ میتواند خواست طبقه مبدل شود . کنترل کارگری بر تولید و توزیع ضمنی است که هم اکنون بطور غریزی و بدوی در ضمن مبارزات کارگران وجود دارد . اما وجود مطالبه ای در ضمن مبارزات کارگران و بصورت غریزی و صنفی ناشکوفائی این مطالبه بصورت یک مطالبه طبقاتی فاصله ایست که در مستشرایط دوران انقلابی ، با واجگیری مبارزات کارگری و در پیوند با آگاه صو سیالیستی میتواند طی شود .

به مثال ذکر شده از مبارزه کارگران کارخانه شیشه سازی قزوین بازگردیم . در آنجا کارگران ضمن مبارزه خود برای اخراج مدییر کارخانه

در راستای . . .

بقیه از صفحه ۹

طریق بصل مبارزات و کاراکا هرگز نه دنبال کرد و از هم اکنون در جهت مطالبات و ضامین مشترک نهائی به تبلیغ، ترویج و سازماندهی پرداخت. پیشاهنگ باید عناصر را جدا جدا مجزائی را که در مبارزات وجود دارد به هم پیوند زند و رابطه لا تجزای این عناصر با یکدیگر آشکار گرداند. کارگران همیشه سازی قزوين (بمخوان مثال) نشان دهند که چه رابطه ای بین عناصر بریت، سپاه و دستگیری نمایندگان وجود دارد. به کارگران از طریق مبارزات خود آنان نشان دهد که چگونه مطالبات آنان در محاسبات مختلف مشترک است و اشتراك منافع طبقاتی آنها را نشان دهد. رابطه بین طبقات را آشکار گرداند و "مطالبات عمومی" توده ها را نشان دهد.

بدینگونه است که مبارزات کنونی و - "برآیند" کارگران و زحمتکشان پیشروی - بی وقته انقلاب بصورتی برپائی يك لغتصاب عمومی و قیام را نوید میدهد. اگر زمانی چشم انداز لغتصاب عمومی و قیام مجدداً صرفاً بر اساس ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و عناصریاتی مابین طبقات در دست زحمتکشان انقلابی در پیش روی ما قرار داشت، امروز جنبش پرولتاریا و زحمتکشان قدسی به پیش برداشته و با طرح خواسته نهائی معین گشته نطفه های ضامین مشترک انقلابی را در خود دارد، قدسهای عملی را در راستای ایمن چشم انداز برپائی دارد.

مختصات اصلی لغتصاب عمومی

چشم انداز لغتصاب عمومی سیاسی، نگرشی هر چند مختصر بر مختصات این شکل از مبارزه را طلب میکند.

لغتصاب عمومی بمثابة يك مقوله تاریخی متعلق به آن مرحله ای از تاریخ جوامع است که توده عظیمی بنام طبقه کارگر در جریسان تولید اجتماعی وحدت می یابد. در حقیقت تعمیق تقسیم اجتماعی کار که با تسلط و توسعه شیوه تولید سرمایه داری عمیق است لغتصاب عمومی را بمثابة يك مقوله تاریخی و بمنزله شکل اصلی مبارزات پرولتاری در جوامع سرمایه داری (که در توده خود قیام فرا می رود) با اعتبار میسازد. از این نقطه نظر، اگر در رجه کارائی لغتصاب عمومی را فقط بر اساس شرایط عینی بسنجیم، باید گفت که میزان وسط تقسیم اجتماعی کار در جامعه و معرف میزان کارائی لغتصاب عمومی است، هر چه که تقسیم اجتماعی کار پیشرفته تر باشد، سلاح لغتصاب عمومی برانتر خواهد بود و برعکس.

بنابر همان زمینه های عینی ای که در پیرویه اجتماعی شدن تولید وجود آمده

به عناصری دیگر از نظام سرمایه داری تمامی برقراری کنند. مفسن سپاه برزند آنها (اگرچه باز بصورت حسی) - کارگران که اکنون در شرایطی نیستند که آشکارا "سپاه" را برپا سازند بکنند، به اعتراض بر علیه دستگیری نمایندگان خود در مبارزات و مبارزه را با خواست آزادی - نمایندگان خود ادامه میدهند. اما این خواستی است که مبارزات جاری را در سایر کارخانجات و نیز در سطح جامعه ایجاد کرده است. در بین این خواست، ضامینی سیاسی توده ای وجود دارد که زمینه های ارتقاء به يك شعار عمومی را در راستا:

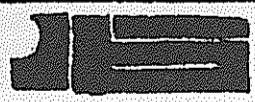
"زندانی سیاسی آزاد گردند". طبقه کارگر این انقلابی ترین و مبارزترین طبقه در انقلاب نمیتواند به این خواست عمومی آزادی زندانیان سیاسی پی نتیجه بسود و خود را محدود به آزادی فقط زندانیان کارگر نماید و از این روشها در سر جامعه میبایست پیشاپیش همه توده ها در جهت این خواست قدم بردارد و آزادی زندانیان سیاسی را بمثابة يك خواست عمومی نصب العین خویش قرار دهد. پیشاهنگ برای بار دیگر کردن ضامینی که بصورت غیربازی در بین مبارزات کارگری موجود است، مثل آزادی زندانیان سیاسی، نمیتواند طبقه کارگر را فقط معطوف بخود گرداند. بلکه با نشان دادن روابطی مابین طبقات در حین مبارزات است که کارگران نیز خود آگاهی و آگاهی از روابط اجتماعی ناقل میشوند. وطنی این حرکت است آگاهی است که اتحاد کارگران با سایر توده ها حاصل عمومی ترین ضامین انقلاب شکل میگردد و در راستای برپائی لغتصاب عمومی سیاسی (و فراروشی آن به قیام) گامهای اساسی به پیشبرد برداشته میشود.

در مبارزات و مطالبات کنونی کارگران و زحمتکشان به ضامین مشترک متعددی - میتوان برخورد کرد که اکنون الزاماً بصورت مطالبه نهائی عنوان میشوند، اما شرایط ارتقاء به مطالبات "هنگامی" در آن مهیا است: عدم تامین شغلی و اجتماعی، جنگ کرانی و بیکاری، سرکوب و بیگناهی و غیره. . . ضامینی را برای توده ها میباید آورد که است که زمینه های مشترکی برای ضامین مشترک مبارزه فراهم نموده است. اکنون اخراج نه بیک محض صرفاً مربوط بکارگران که کارمندان، معلمان و . . . را هم به بهانه پاکسازی در بر گرفته است. فشار کرانی برگردانده شده ها امری هنگامی گشته است. سرکوب و بیگناهی تمامی توده ها را در بر گرفته و مبارزات کارگری بر علیه انحطای اسلامی بمثابة ارکان حاضر و آید و ارتقاء در محیط کار و ضامینی عمومی دارد. اعتراضات و تظاهرات در دست (مثلاً در زقول) با فشار بر روی کارگران برای رفتن به جنبه ها و مقاومت، امتناع کارگران، منعین مشترک توده ای می یابد. بدینگونه که در مثال کارخانه شیشه سازی قزوین - مختصر آید، گردیم، کافی نیست که به این مطالبات به همین صورتی که ابراز میشود - نگرست، بلکه باید راستای ارتقاء آنها را از

است بخشهای مختلف جامعه در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته و در دست هر من روابط است که توده عظیمی از جمعیت که تولید کنندگان واقعی جامعه میباشند در ارتباط مستقیم با یکدیگر قرار گرفته و در مجموع طبقه کارگر بوجود می آید. در واقع سازمان تولید، خود بالقوه ضربه بصورت بخشی وسیعی از توده ها گردیده و این بصورت بافقو طبقه کارگر در خلال يك لغتصاب عمومی است که از قوه به فعل برمی آید و نقشی تعیین کننده را همچنان که در تجربه لغتصاب عمومی سال ۷۲ دیدیم، در توازن قوای انقلاب و ضد انقلاب ایفا می نماید. از اینرو لغتصاب عمومی که نتیجه جیسرگسی ضامین سرمایه داری است کارآمدترین ابزاری است که در سطح وسیعترین توده ها نقش حساسی ایفا می نماید. از آنجا که این سطح عظیم توده ای در ارتباط مستقیم با طبقه کارگر اقتصادی جامعه قرار دارد، هنگامی که تولید کنندگان واقعی متحد و یکواچه چرخهای اقتصادی جامعه را از حرکت باز می دارند، اختلال در تمامی ارکان در یک جامعه متمدن حاصل میشود و در مجموع حرکت اقتصادی تمامی ماشین دولتی را - فلج می نماید. کارگران و زحمتکشان در سال ۷۲ تجربه نمودند که لغتصاب عمومی چگونه ماشین عظیم دولت را فلج نمود و انحراف شدیدی ترین تنشها را قرار داد. لغتصاب کارگران قهرمان شرکت نفت مسئله سوخت رسانی را مختل نمود و قدم صد و زفت ضربه ای کاری بر امپریالیسم و سیاست ارنی رژیم زد، و لغتصاب راه آهن امری نقل و انت را مختل نموده و . . .

بدین ترتیب تجربه لغتصاب در سال ۷۲ این دو وجه عمومی لغتصاب سیاسی همگانه را به عینه در نزد توده ها آشکار ساخت و - نشان داد که لغتصاب عمومی بصورتی مستقیم ترین و فایده مندترین اقدامی است که از سوی کارگران و زحمتکشان در مرحله ای معین از رشد وحدت تظاهرات در جامعه میباید بعمل در آید.

طنی همین پیرویه توسعه لغتصابات است که توده ها با قدرت خود آگاه میشوند. آنها فارغ از مسائل روزمره ای که در هشان را در چرخ دنده های گردش سرمایه اسپر میسازد، که آنها را همچون برده سرمایه از هرگونه تفکر آزاد و آگاهی نسبت به از خود بیگانگی خود مانع میشود، که قدرت سرمایه و نقدین مالکیت را از زیر ساختن، که . . . و که وحدت عینی کارگران و زحمتکشان را مانع شده، و شناخت از روابط اجتماعی ناشی میشوند و یاد برنده ترین حالت (مثلاً اگر پیشاهنگ پرولتاریا از توان کافی برخوردار نباشد) به آن شناخت نزدیک میشوند. بهر حال لغتصاب عمومی آن شرایطی را ایجاد میکند که توده های پیشترین امکان کسب آگاهی را بدست می آورند. اقتضای عقب مانده طبقه که تحت شرایط عادی به سختی جذب فعالیتها طبقه میشود، طی پیرویه لغتصاب، بقیه در صفحه ۱۱



عمومی گامهایی بلند در جهت رفع عقب ماندگی خود بردارند. از فاصله عظیم اقشار مختلف طبقه (از نظر آگاهی) در دوران های عادی که خود موجود عدم وحدت طبقه بود، بسرعت کاسته میشود و یک طبقه (البته هنوز با درجات تفاوت) برای ارتقاء به سطح مبارزه ای عالی تر، در جهت واژگونی رژیم کهن آماده میشوند. اگر اقتصاب عمومی وقته ای در مبارزات سرمايه ایجاد میکند، در عین حال و همزمان وقته ای نیز در مبارزات تولید از خود بیگانگی بوجود میآورد.

نقش پرولتاریا در اقتصاب عمومی سیاسی

طبقه کارگر پس از شکل گیری و تکامل کمی و کیفی خویش وظیفه تعیین کننده و محاسمی در قبال اقتصاب عمومی را بر عهده میدهد. آگاهی از این وظیفه تاریخی و اقدام جهت میباشند در قبال آن هرگز قمار با انجام وظیفه خطیر خویش نخواهد شد.

از آنجنگام که پیروزی رسالت تاریخی خویش را در امر رهبری انقلابات از دست میدهد و پرولتاریا بیش از پیش طبقه نقش رهبری سیاسی انقلابات اجتماعی را به عهده میکند، دیگر پرولتاریا نمیتواند و نباید بشا به صرفا یکی از طبقات جامعه و بشا به دنبال رو اقتدار پر ژوازی در جریانات سیاسی و طبقاتی جامعه عمل نماید بلکه پرولتاریا موظف است بشا به یک طبقه رهبر و پشاهنگ و راهنما در مبارزه سیاسی قدم گذارد. تا هنگامی که پرولتاریا قادر نگردد این نقش را در مبارزه سیاسی کسب نماید ناچار به دنبال روی از دیگر اقشاری که بشا هزاران رشته به پیروزی ختم میگردند خواهد پرداخت و به گوشت دم تسویج پیروزی بدل خواهد گشت و از دستخوشی به تابعی قطعی محروم خواهد ماند.

حال مسئله اصلی مشخصی که باید پاسخ گفته شود این است که چگونه طبقه کارگر میتواند بشا به یک طبقه راهنما، پشاهنگ و رهبر همه مردم قدم در پییش گذارد؟ برای پاسخگویی به این وظیفه چه باید کرد؟

ما در ابتدای مقاله بازگرمونه هائسی از خواستهای کارگران و زحمتکشان نشان دادیم که چگونه مبارزات منفرد کارگران در اساس دارای ضمنی مشترک میباشد که طبقه کارگر میتواند حول آن ضمنی مشترک شکل نمید و متحد گردد. آنست که مبارزات پراکنده آنان را مبارزات متحد و یکپارچه طبقه ارتقاء بخشید و همچنین از سویی دیگر روشن نمودیم که چگونه از آنجا که خواستهای جنبش عمومی در پیوند با بخشی از خواستهای دگر آتیک پرولتاریا قرار آرد پرولتاریا میتواند از طریق طرح خواستهای جنبش عمومی امکان کسب

رهبری جنبش را بدست آرد و بشا به رهبری لایق و یکپارچه جهت تحقق اهداف عمومی جنبش قدم بردارد.

اما طبقه کارگر اگر در ارتباط با آگاهی دگر آتیک و سوسیالیستی قرار نگردد، اگر روابط فی مابین طبقات مختلف اجتماعی بنحیث سازمان پشاهنگ و ستاد رزنده و پرولتاریا که در برنامه آن ضمیم است به درون طبقه برده نشود، و اگر توسط کارگران پیشرو ضامین مشترک مبارزات کارگران و جنبش عمومی برجسته نشود که تانصب المهن مبارزات آنان قرار گیرد تا بدین ترتیب جنبش عمومی تحت رهبری پرولتاریا آگاه و انقلابی قرار گیرد، طبقه کارگر قادر نخواهد بود در اقتصاب عمومی نقش رهبر و پشاهنگ و راهنما ایفا نماید.

تجربه اقتصاب عمومی حال ۷۰ نشان داد که از آنجائی که جنبش آگاه پرولتاریا فاقد آن ملزومات ضروری جهت ایفای این وظیفه تاریخی بود، نتوانست نقش راهنما، پشاهنگ و رهبری جنبش عمومی را بعهده گیرد.

امروز که مبارزات خود بخودی کارگران زمینه های مناسب تری را جهت پیوند با طبقه ایجاد نموده است، پشاهنگ قادر است که با تکیه بر فعالیتهای عمومی خود و نیز از طریق هسته های سرخ کارخانه ضمن شرکت در مبارزات کارگران به تبلیغ و ترویج آگاهی های دگر آتیک - سوسیالیستی در میان طبقه بپردازد و ضمن مشترک مبارزات کارگران را برجسته نماید و از این طریق بوسیله بردن آگاهی به درون طبقه وسعت و وحدت آن به مبارزات آنان جنبش طبقه را در راستای دستیابی بشا به شعارهای انقلابی و صحیح مبارزه که چهارچوب آن در برنامه عمل سازمان روشن گشته رهنمون شوند و بدین وسیله مبارزات پراکنده را به مبارزات متحد و منجم طبقه کارگر علیه پیروزی و حکومت جمهوری اسلامی ارتقاء دهد. در راستای این وظیفه کمیته های مخفی اقتصاب با سازمان های کارگران پیشرو و در خود و در ارتباط با کمیته های مخفی مقاومت، رهبری مبارزات کمونی را در راستای ارتقاء آن به اقتصاب عمومی و قیام عهده دار میباشند. آن ضمنی مشترکی که تمامی کارگران را در یک طبقه واحد متشکل نموده است ایجاد مینماید که این تشکلی - های منفرد و انقلابی، کمیته های مخفی اقتصاب، جهت رهبری سراسری و واحد اقتصاب عمومی در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند.

اگر سازمان پشاهنگ پرولتاریا بدست لازم را برای اقتصاب عمومی بدید و باشد و خود را از هر نظر چه تشویک - سیاسی وجه عملی آماده نموده باشد قادر خواهد بود از

در راستای...

بقیه از صفحه ۱۰

اقتصاب عمومی سیاسی بعنوان ابزاری نیرومند و انقلابی جهت تبلیغ و ترویج برنامه سیاست پرولتاریا استفاده نماید. اقتصاب عمومی سیاسی امکان میدهد که ضلعین و سوسیال پرولتاریا با وسیعترین اقشار کارگران و زحمتکشان توده های انقلابی تماس حاصل نمایند و با رفتن بحال آنان در طی یک اقتصاب عمومی شعارها و برنامه پرولتاریا که تنها برنامه انقلابی است را تبلیغ و ترویج نماید.

اگر چشم انداز اقتصاب عمومی و قیامی مجد در هر روز بیشتر از روز پیش خیروت عینسی خویش را به اثبات میرساند اگر سخن از تدارک همه جانبه جهت رهبری پرولتاریا در یک اقتصاب عمومی و قیام طرح است، نمیتوان در این مرحله که مبارزات در سطحی پراکنده و پیوسته بخودی قرار آرد دست بردارست گذشت و به انتظار پرهشی اقتصاب عمومی ماند، مرحله کمونی جنبش جزئی از آن - جریان می وقته ای است که به انقلاب منجر خواهد گشت. باید بدقت از طریق شرکت در مبارزات کمونی کارگران ضمن مبارزاتشان راهبرد بررسی قرار دهیم تا به آگاهی های سوسیالیستی و برنامه پرولتاریا در انقلاب به درون طبقه برده شود، باید شمارهای صحیح مبارزه در دسترس کارگران توده های انقلابی قرار گیرد، باید سازمان های رهبری اقتصاب عمومی از هم اکنون از طریق تشکیل کمیته های مخفی اقتصاب و مقاومت آغاز گردد. باید هسته های تبلیغی سازمان از هم اکنون خود را جهت تبلیغ در یک اقتصاب عمومی آماده نمایند. پرولتاریا وظیفه ای بس خطیر در قبال اقتصاب عمومی عهده دارد. وظیفه ای که پیروزی جنبش و کسب رهبری انقلاب تنها از طریق انجام هرچه دقیق تر و هوشیارانه تر این وظیفه است که تضمین میگردد.

محدودیت اقتصاب عمومی

هنگامی که اقتصایات در میان کارگران فراگیر میگردد، برخی از کارگران (علاوه بر تعدادی از سوسیالیستها) به این عقیده میرسند که طبقه کارگر میتواند خود را تنها به اقتصایات، صندوق های اقتصاب و یاد دیگر تشکلهای اقتصابی محدود نماید، که طبقه کارگر میتواند به بهبود قابل ملاحظه ای در شرایط زندگی و یا حتی آزادی خویش تنها از طریق اقتصایات دست یابد، هنگامیکه آنها می بینند چه قدرتی در طبقه کارگر متحد و یا حتی اقتصایات بقیه در صفحه ۱۲

میکنند طبقه کارگر میبایست تنها یک لغت
عمومی در برابر کشور را سازمان بدهد تا
کاربران هر آنچه از سرمایه داران و حکومت
میخواهند بدست آورند... این یک تصور
باطل است (لنین، درباره انتخابات)

در راستای...

بقیه از صفحه ۱۱

سازندگان هم جبر میخوانند که انقلاب
را بصورت "بشناختن" برای پیشی گرفتن
از انقلاب و توقف و نابودی آن، انگالسی از
سازرات با فطرتی بود و هارائائید کنند تا
سپس بتوانند بران سوار شوند. کسر
بجزواری ایران در سال ۷۲ انقلاب را به
رسمت شناختن؟ و حتی گرشاه "صدای
انقلاب را شنید"؟ ضد انقلاب خارج از
قدرت سیاسی همیشه از آنرو به جنبش
انقلابی شروع شده و بوده حاصل میشود
که از انطرفی در چانه زدن بر سر تقسیم
قدرت سیاسی که سنگین تر و از آن خود
سازد. زیرا که قدرت سیاسی را از آنرو
میخواهد که بتواند با حصول به ماشین
سرکوب دولتی تضمین های لازم را بصورت
ضامین خاص خویش بدست آورد و به هیچ
روی خواهان پایان دادن به فقر و طاقت
اختناق و سرکوب کارگران و زحمتکشان
نیباشد. از همین رو نیز وقتی که لغت
عمومی سیاسی برخلاف تعالیش و با نیروی
یاور دارند، این برپا میشود، و به شناسایی
آن ناچار میگردد، از آنجائیکه خافضش
در کمر حفظ و تحمیل ماشین دولتی و غلبه
کردن آن با خافضش میباشد، با لغت
عمومی سیاسی بجا به یک شکل مستقل
می آید.

ولیکن جنبش پرولتاریای آگاه در دوران
که نقش شرقی و جزواری به نقشی ارتجاعی
بدل گشته و طبقه کارگر در تارک آن قرار
گرفته، و از آنجائیکه پرولتاریا بر عکس
بجزواری نمیتواند صرفاً به انتقال قدرت
سیاسی از دست به دست دیگر اگفاناید
بدون اینکه ارگانههای اقتدار بوده ای -
خوش را بر سرانه های ماشین دولتی در آن
شده استوار گرداند نمیتواند به لغت
عمومی بجا به یک شکل مستقل مبارزه بنگرد
شکلی که از آن طریق "میتواند به پیوسته
قابل ملاحظه ای در شرایط زندگی و باحتی
آزادی خویش دست یابد"!

لنین در جمع بندی از نقش لغت
عمومی میگوید که "... جنبش دسایر سرکوب
برای العین نشان داده که دوران لغت
هنگامی، بجا به شکل مستقل و عمده

مبارزه سپری شده است و جنبش با نیروی
خود بخودی و مقاومت ناپذیر این دایره
محدود را می شکند و شکل عالی تر مبارزه یعنی
قیام را بوجود می آورد. ("در سبای قیام
سکون). امروز هنگامی که نیروی سخن از
لغت عامی بجا می آید و در اینک
فراروشی اجتناب ناپذیر برای قیام آشکار
سازد و معاد رجعت تدارک آن اقدام نماید
در واقع و نهایتاً مبارزه بود و هارائات مسرز

این تصویر باطل تاکنون بارها در جریان
سازرات حجتی پرولتاریا به ثبوت رسیده
است. تجربه سال ۷۲ نیز تأیید میدهد
بود برای تصویر باطل. تأییدی بود بر
نقش بسیار اهمیت لغت عامی در سطح
توده ها، در فلج کردن قدرت دولتی و در
حجت کسب آگاهی های سیاسی توسط
توده های ملیونی. اما در عین حال از
لغت عامی سال ۷۲ پس از یک پروسه
رشد یابنده عناصر جدیدی را در جهت
پیشبرد انقلاب نمیتوانست در آید و
از این رو توده ها بتدریج در عمل مبارزاتی به
محدودیت این ابزار مهم مبارزاتی در
صورتی رژیم شاهنشاهی می بردند.
رهبران و رهبران، مارا صلح کنید
ندای قیام بود که از دل لغت عامی
بر می خاست.

در مجموع لغت عامی در نظر
پرولتاریای آگاه سازمان یافته و صلح به
شوری انقلابی چیزی جز تدارکی همه جانبه
برای جنگی نهائی نمی باشد. پرولتاریای
آگاه در یک لغت عامی با آن دید قدم
بگذارد که بارهبری، راهنمایی و شناختنی
خوش در مرحله اول صفوف مستقل پرولتاریا
راضح نماید و بارهبری جنبش عمومی دیگر
اقتدار انقلابی را خود ملحق خود و بر نامه
غرضی را بیان انبساطی و ترویج نموده و
تأسی تدارکات سیاسی نظامی لازم را
برای قیام میباید. از این رو رهبری لغت
عمومی در حقیقت حرف آخر پرولتاریا در
برخورد با نظم موجود نیست بلکه پروسه ای
است حجت کسب آمادگی برای نبرد
نهائی و قهر آمیز. تجربه نشان داده -
است که "اتکا" صرف به لغت عامی
تقریباً رهموارد به شکست محکوم شده
است، دلیل اساسی این روشن است:
توقف هر اندازه هم ابعادش گسترده باشد
با جایگزینی یک نظام اجتماعی متوسط
نظام دیگر بر این نیست. هنگامی که ضمن
انقلابی جنبشی ضرورت جایگزینی نظام
اجتماعی نوینی را بجای نظام موجود میطلبند
صرف فلج شدن ماشین دولتی که تأسی از
اج لغت عامی سیاسی است کافی نیست
و انتقال به مرحله بالاتر اجتناب ناپذیر
بضرورت عینی جنبش میطلبند. ضرورت عینی
جنبش ایجاب مینماید که حجت دست یابی
به نتایج قطعی، لغت عامی بقیام
قهر آمیز و مسلحانه توده ای فراروید. این
استان خط سرخی نه کارگران و زحمتکشان
انقلابی در اج لغت عامی بدان منوال
میگردند.

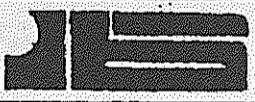
زمانیکه تک جنبشهای انقلابی بی وقفه
تراکم میشود و انقلاب در میگیرد، جزواری و

تحمل بالا جبار بود و آزی تملیل میدهد.

در انقلاب بالآخره در مرحله ای از
تکامل جنبش انقلابی، انقلاب را بصورت
خواهد شناخت و از اشکالی از مبارزات موجود
توده ها بیچاره را فاع خواهد کرد. جز این
سند حکومت خود را نوشته است. ایما
برای ضد انقلاب (حد اکثر و اجبار) آن
اشکال مبارزاتی قابل تحمل است که به
دلمان شدن دستگاه دولتی در اثر قیام
سلحانه توده ها منجر نشود، که به برقراری
ارگانههای اقتدار توده ای منباجاد، که
توده ها فقط وسیله ای باشند برای قضیه
قدرت سیاسی، که جنبش انقلابی حتی -
القدرت در خود و نامی اسپرماند که به
ثرتقا" آگاهی و مطالبات انقلابی و بالآخره
به قدرت توده ها منجر شود. لیدر آن
بمبارزات توده ها، هر یک قدرتی را برای
سرکوب توده ها، این آخرین کلام
بجزواری است. سبزه زکرمینه های
تاریخی نیست، ضد انقلاب فطرت
(سلطنت طلبان و...) حتی و حاضر
است. به توده ها تهمین میخورد، برای
سازرات "مطلب آنان (طلب بنایسه
اهداف خود) هو می کند، از آزادی سخن
میگوید، و... یعنی جنبش را بصورت
می شناسد. بران لم میدهد تا از بالا حتی
بصورت سلحانه قدرت را تحفه کند.
بالآخره جزواری هم به اسلحه دست
میبرد، اما برای تصفیه حساب درونی و بی
سرکوب توده ها، امانه نمیاتود و هارابه
سازره سلحانه، به برپائی قیام سلحانه
بر علیه رژیم جمهوری اسلامی تشویق نخواهد
کرد، که در مقابل آن خواهد ایستاد. مرز
نهائی تحمل ضد انقلاب از مبارزات توده -
ها تا قیام سلحانه است از آن فراتر نمیرود
اینجا مرزی است که ضامین ضد انقلاب مغلوب
با رژیم - در عین تضاد - بهم گره میخورد.

بر این اساس شعار: "رژیم جمهوری
اسلامی را باید بایک لغت عامی سیاسی و
قیام سلحانه برانداخت" نه تنها بر علیه
رژیم جمهوری اسلامی که بر علیه ضد
انقلاب بطور کلی است.

رفقا! هواداران!
برنامه عمل سازمان را بصورتی
بیمان توده ها بپسیدید. فعالیت تبلیغی
خود را گسترش دهید و به تبلیغ برنامه
عمل سازمان بپردازید.



بخشند. این نتیجه محسوم
اتلافی خواهد بود. با پیروزی لبرال است.
این نتیجه محسوم پذیرش برنامه پیروزی
سرفرضی و شیوه های کس قدرت از
بالا است. آنچه که گفتیم ریشه های
قابل جوشی فیر اصولی خواهد بود بسا
سازمان ما است.

اماحال بینیم چرا آقای جامع که
مجاهدین با عنوان گاندب و رهاکارانسه
پرسابقه ترین عضو کمیته مرکزی سازمان...
ایشان را متفکر کرده اند (حاضرین هم
صد افتد چگونه امتیازند هند!) در نامه
خود به "برادر رجوی" به تحریف مواضع
سازمان صبر از آقای جامع برای اینکه
نقطه شروع عقد مودت با پیروزی باشد
صداقت خرد و پیروزی بیشتر مدتی -
تجدید بخش خوش آمد به یک تقلب خیلسی
کیچولو دست زده است و علت اخراج خود
را "خشم و غضب! رهبری گرایش سکتاریستی"
به علت مخالفت ناصبر و با درج مقاله
"مرا و بیشتر وجود ندارد" نقل کرده -
استه آنیم "برخلاف اساننامه" این
روی قابل نقض است چون سخن است
آقای جامع بهنگام نوشتن نامه به برادر
رجوی در پاریس اساننامه سازمان را همراه
نداشته است. و اما دلائل اخراج را که
یک کسی (!) با نتیجه آقای جامع ابراز
کرده اند و تفاوت است، عیناً از گزارش -
کمیته مرکزی سازمان به تشکیلات در اینجا
نگری کنیم: "کمیته مرکزی سازمان طی
نشست خود در ماه ۶۲ در زمینه رسیدگی به
اسامانیه های حاکم بر شاخه کردستان و
فرض مسئول شاخه (بیژن) بعمل ز سر
- عدول از خط ایدئولوژیک سیاسی
و تشکیلاتی سازمان - رهبری خط
لیبرالیستی حاکم بر شاخه - ۲ - حذف
عناصر مخالف خط ضعیف حاکم بر شاخه،
- دامن زدن به رقابت های ناسالم بین
تیمها که ضربه از هم پاشیدگی و ضربه
وارد آمدن به تشکیلات شده، - ۵ - خلع
سلاح خود سرانه گروه هرزگان - ۶ - عدول
از تصمیمات ضحده کمیسیون در دیماه ۶۱
- ۷ - ایجاد دسته بندی و گروه بندی در
شاخه، - ۸ - بی توجهی در رابطه با حفظ
و نگهداری سلاح های سازمان، - ۹ - عدم
پذیرش اشتباهات و انحرافات گذشته
و یافتن بر مواضع گذشته خود، - ۱۰ -
رفتار نادرست و فقدان اخلاق کمونیستی و
تصمیمات زیراتخاذ می نماید: الف - عدم
صلاحیت در کمیته مرکزی سازمان، - عدم
صلاحیت در مسئولیت شاخه، - ج - نقض
عضویت از سازمان، - عداوت اندکی است و
اینگونه نیست!

آقای جامع در همین اولین نامه خود
بعضی نشان داد که استعداد شگرفی در
کارگیری سبک کار مجاهدین، که قبلاً عمل
آزمایشی کردیم، در راستا وی با تحریف

در مورد علت اخراج خود از سازمان که فوقاً
به آن اشاره کردیم، طبعی است که "عمل
سیاستهای آنارشیستی و سکتاریستی" سر
سازمان حاکم است و برخورد های سازمان -
"با اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم نیز
در تضاد میباشد" و از این خود را ملزم میدانند
که "بخطورت دفاع از حریم اصولی و انقلابی"
سازمان طی نامه های بعدی به برادر رجوی
دین خود را از انقاید "واژه ها" بر اساس
مواضع طبقاتی معنای خاص خود را در و
از این قرار است مفهوم واژه ها در نزد آقای
جامع و راستش مادرست ضحیه شدیم که،
منظر آقای جامع از حاکمیت آنارشیسم،
البتة بجز در کردستان بهنگام مسئولیت
ایشان، چیست؟ شاید شیوه کس قدرت
از طریق انقباض عمومی سیاسی و فیسام
توده ها را سازماندهی نمود، هاز طریق
لخته های منفی انقباض بیقاوت را در نظر
دارد؟ و شاید هم خرد کردن مافکین
دولت پیروزی را که در برنامه ما منعکس است
آنارشیستی می پندارد؟ و در اینصورت بسا
کمال خضوع باید اقرار کرد که بلبه بسا
معنای فوق ما "آنارشیست هستیم! اما
معنای "سیاستهای سکتاریستی" منظور
نظر آقای جامع برای ما کاملاً روشن است:
سیاستهای سکتاریستی یعنی سیاستهای
که بر لزوم مرز بندی بین طبقات واقفانرا کند
دارد و بر ضامع پروتاریا پای می نشرد. و در
بعضی سیاستهای غیر سکتاریستی (مطلوب
آقای جامع) یعنی آن سیاستهایی که سرز
بین طبقات را خرد می کرده و اتحاد بین
پروتاریا و پیروزی را (البتة نه هر پیروزی
بلکه آن بخشی که خرد و پیروزی مطلوب
در اتحاد با پیروزی) طلب میکند.
"همه با هم" به پیش سوی سازش طبقاتی
برای زدودن سیاستهای سکتاریستی
حاکم بر سازمان! شعار دلبند پیرو است
آقای جامع، اینطور نیست؟

آقای جامع با همایهوی بسا سازاز
"آنارشیسم و سکتاریسم" هووم حاکم بر
سازمان می گردید و به آنارشیسم و سکتاریسم
مجاهدین پناه میبرد، و هنوز ترقی راهش
خشک نشده در دام (واقعد ز دام و سا
همراه ۲) سکتاریسم مجاهدین میخواهد
از "حریم اصولی و انقلابی" سازمان دفاع
نماید. و محتما بر طبق "اصول اساسی
مارکسیسم - لنینیسم" اما برآستی چه -
قرآنی را در این "اصول مارکسیستی -
لنینیستی" آقای جامع با اصول مجاهدین!

اگر آقای جامع ترهات ذهنی خود را به
مثابه اصول سازمان نمی پنداشت و در این
مورد کمی ضعیفی بود که این اراده سنگین
تشکیلات است که از طریق بالاترین مرجع
سازمان، یعنی کنگره، "حریم اصولی و
انقلابی" سازمان را مشخص و قابل دفاع
میکرد. آنگاه دیگر برای دفاع از این

سبک کار...

بقیه از صفحه ۶

"حریم اصولی و انقلابی" مراجع پیروزی و
خرد و پیروزی شکایت نصیر و به آنها
پناهنده نمی شد، به تشکیلات مراجع
میکرد و تخطی رهبری گرایش سکتاریستی
را از "حریم اصولی و انقلابی" در تشکیلات
افتاء و طرف میگرد. اما آقای جامع نمیتواند
به تشکیلات مراجع کند، چون تشکیلات
قبلا در کنگره جواب خود را بصورت قطعنامه
- های کنگره ضلع کرده است و آقای جامع
بخوبی از چند بیون آن باخبر است. اگر
صوت کنگره از آنیه که آقای جامع "اصول
اساسی مارکسیسم - لنینیسم" میمانند
انحراف داشته و بالاتر از آن "آنارشیستی و
سکتاریستی" بوده است، وی با پناشه یک
انقلابی کمونیست صیانت از زمین سازمانی
خارج میشد و با بر طبق موازین سائتر الیم
در سکتاریک، بنابر "اصول اساسی مارکسیسم
- لنینیسم"، ضمن پیگیری موازین و
سیاستهای سازمان برای بوطرف کردن
"انحرافات" بیارزه ایدئولوژیک صبر داشت.
آقای جامع سازمان را ترک نکرد ولی "سر
خلاف بر شیوه های انقلابی و ضوابط
سازمان" نه تنها حتی یک نوشته بر اصول
مواضع عقیدتی خود به تشکیلات ارائه
نداد، بلکه در زمینه ایدئولوژیک، سیاسی
و تشکیلاتی به پیگیری خطی ضایع با خط
کنگره در شاخه کردستان پرداخت. اگر در
کنگره مسئله بروز به "شورای طی طاقت
قاطعانه رد شد" آقای جامع سعی میکرد با
کشاندن تشکیلات شاخه بزیر پرچم حزب
دکرات عملا و بطور رهبریتقم سازمان راه
دنیاله روی از پیروزی بکشد. بحسب
پوشش دکتاریک بودن تشکیلات شاخه
لیبرالیسم ناب را بر شاخه حاکم گردانید و
زمانیکه بخش وسیعی از فدای شاخه به قباله
با سیاستهای انحرافی او برخاستند بسا
تصفیه بهترین رفقا تحت پوشش گرایش
سکتاریستی تلافی میکرد عملا بر خستلاف
مواضع کنگره تشکیلات کردستان را بطوری
که به یک تشکیلات پیروزی تبدیل کند. در
پلنوم هنگامیکه مسئولین تشکیلات با انتقاد
اشکار از وضعیت شاخه برخاستند و مرکزیت
سازمان نیز سیاست حاکم بر شاخه را بر خلاف
موازین سازمان تشخیص داد و کمیسیون
بیزه بررسی وضعیت شاخه انتقادات اساسی
به مسئول شاخه وارد داشت مسئله لغو
مسئولیت وی مطرح گردید اما او با پند پشش
انتقادات، قول داد تا وضعیت شاخه را
سر سامان بخشد و سیاست سازمان را در
کردستان بیاد کند اما این فرصت نپسز
موترنیفتاد

بقیه در صفحه ۱۱

کمیته های مخفی مقاومت را باید در شهر و روستا ایجاد کنیم

سبک کار . . .

بقیه از صفحه ۱۳

میکنند شاید آقای سامع اعتقاد بر این دارد که وزن مخصوص بنی صدری هاد در مقایسه با جاهدین در شورای ملی مقاومت اصلاً اهمیتی ندارد و از اهمیت بسیار بسیار جزئی که قابل صرف نظر کردن است، برخوردار است! و در این صورت چون وزن مخصوص بنی صدری هاد در شورای ملی مقاومت در سطح نازکی قرار دارد، بنابراین پیروان و لیبیرال در اقلیت مطلق فیزیکی قرار دارند که در موقع ضرورت اگر فرض کنیم که چنین اندیشه‌های در ذهن آقای سامع و مخالفین موجود است، بالاخره فرض محال که محال نیست میتوان به یک ضرب این وزن مخصوص را از میان زد! درک فیزیکی از اتحاد طبقات به وزن مخصوص عناصر شرکت کننده در - تشکیلات میپردازد و بر اساس حیک و سنگینی وزن مخصوص طبقات ماهیت تشکیلات را مشخص میگرداند. بر این ستیضاح حزب کارگر انگلستان (اسخ هم بد نیست!) بنا بر نسبت وزن مخصوص پیروان و لیبیرال و حزبی پیروتری بحساب می آید.

خط مشی برنامه شورای ملی مقاومت پیروان - در فرصتی است با وجود بنی صدری هاد "شیرا" و یارانش و پیروان آنها (البته حدی بنی صدری هاد از منور و زمینه های لازم را برای حذف برنامه پیروان در فرصتی فراهم میکند، ولی الزاماً میتواند چنین نشود). برنامه شورای ملی مقاومت برنامه اتحاد جاهدین است با پیروان و پیروان پیروان پیروان. جاهدین با توجه به وزن مخصوصشان در شورای ملی مقاومت که جبری این برنامه باشند، خورد و پیروان را بر این پرچم جذب کنند و گسترده و توان خورد و پیروان را در جهت استقرار جمهوری در شرایط اسلامی شورای ملی مقاومت بکار گیرند. و عاملین پیروان و خورد و پیروان در وزن جنبش کمونیستی نیز رسالت دارند که در ذهن پیروان قرار دهند و آنها را تحت رهبری پیروان قرار دهند. اتحاد طبقاتی شورای ملی مقاومت یعنی همین الفاظ پیروان و لیبیرال، هیاهو بر این سیاستهای انارشیمیستی و سگاریستی، ادعای زدیانه در سگاره "دفاع از حریم اصولی و انقلابی" و تحریف های خائنه همه و همه، تنها در جهت شایسته گری این رسالت است.

آقای سامع و معاهدین (که جای خود را دارد) با درک پیوستگی و فیزیکی از اتحاد عمل طبقات و در مورد مفهوم "فلاتیسی کردن شورای ملی مقاومت" نیز همان درک فیزیکی (و البته از آقای سامع با انارشیمیستی) رابه نمایش میگذارند. "تلاشی کردن - شورای ملی مقاومت را بمعنای درب و دلفسان کردن هر نیروی سیاسی و از جمله سازمان

از آنروکه مهدی سامع بنا بر وضع طبقاتی خود نمیتوانست پیوسته و سیاستهای انقلابی سازمان باشد و ادامه مسئولیت او و فعال همان سیاستهای پیشین موجب ضربات اساسی بر جبهه شاخه گردستان گردید و سرانجام وی نیز قابل اصلاح تشخیص داده شد و اخراج گردید. او که در پی پیوسته سیاستهای خود یعنی سر کشاندن سازمان به شورای باصطلاح مقاومت مایوس شده بود و مشاهده کرد که دیگر در جنبش کمونیستی جایی ندارد این نغمه شوم را سرد آید که "چون جنبش کمونیستی ضعیف است باید از گانگال سازمانهای "دکرات" سازنده را اداسه داد! اما بدین حال بنهاندگی پیوسته پیروان را گویا سر چاره اش بالکل تخیل یافته است. و اینکه است "دفاع از حریم اصولی و انقلابی" سازمان در قاموس آقای سامع و پیروان سازمان جلد این شیوه موزیکانه "دفاع از حریم اصولی و انقلابی" که در حقیقت "دفاع از حریم اصولی و انقلابی" شورای ملی مقاومت درون سبک سازمان مارکسیست - لنینیستی است را که میگردد به انارشیمیسم، سگاریسم و سوسیالیسمی تنه میخورد.

اگر سبک کار آقای سامع بر سبک کار معاهدین منطقی میبود، چیز فزونی نداشت. درک یکسان از مفهوم سازنده طبقاتی (که عمدتاً همان سازش طبقاتی از آن مستفاد میبود) و آن نوع دولتی که باید برای استقرارش بجای رژیم جمهوری اسلامی سازنده کرد، صف بندی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، چگونگی و ضمن اتحاد های طبقاتی و غیره، ضامن خستگی را بر سر انطباق سبک کار ایجاد میکند. درک پیوستگی اینها و سطحی گرا از سازنده طبقاتی (جست کلمات بد یعنی) بالاخره خود را با یکدیگر در شورای ملی مقاومت باز یابد. اینجا که سرز انقلاب و ضد انقلاب در هم می آمیزد و - سازش طبقاتی و پیروان را به اقامت می حاسمه بر می گرداند. بالاخره هر کس در - انقلاب برای خود رسالتی دارد.

درک پیوستگی تشبیه اتحاد بطنور مطلق می اندیشد، و دیگر طبقات شرکت کنند و ضمن اتحاد عملاً امری درجه دوم بی اهمیت تلقی می شود. "حریم اصولی و انقلابی" سازمان در مورد صف بندی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب مشخص و روشن است و قطعنامه مصوب کنگره در این بباره صراحت کامل دارد که پیروان و لیبیرال در ضد انقلاب جای ندارد. اما آیا از نقطه نظر آقای سامع پیروان و لیبیرال و پیوستگی از آن در صف انقلاب قرارند دارد؟ موضع گیریهای وی در کنگره مشخص است او برخلاف رفقای شرکت کنند در کنگره تمامی اقتدار خود را بر پیروان و لیبیرال را بعنوان نیروی بینابینی و آن نیروی که باید منفرد شود اعلام میکرد اما نظراً قاطعانه رد شد. برآستی چه کسی "حریم اصولی و انقلابی" سازمان را در هم

جهد بین می بیند و با جاهدین و در این باره هماهنگی میکنند. از دید سازمان و ادعای تلاش کردن صنای شخصی دارد با توجه به مرحله کنونی انقلاب جلد خورد، پیروان و لیبیرال (لایه های باثبات و پایداری) شهرت و ستایشم انقلابی با پیروان و لیبیرال، می طسرف کردن لایه های فوقانی خورد و پیروان و لیبیرال علیه پیروان و لیبیرال. "تلاشی کردن" یعنی کار پیوسته انقلابی در جهت قطع احد خورد و پیروان و لیبیرال از پیروان و لیبیرال تبلیغ و ترویج برنامه عمل انقلابی پیروان و لیبیرال و احصا نوده ها در عمل سازمانی به این برنامه، نشان دادن رسمت عمل واحد ای پیروان و لیبیرال علیه انقلابی وسیع نوده ها سازماندهی آن در جهت پیوستگی فیزیکی انقلاب. "تلاش کردن" یعنی کار پیوسته در جهت جاهدین و پیروان خورد و پیروان و لیبیرال از پیروان و لیبیرال که خود را با ماسکهای خنثی می آرایند، و در بدین آید ماسک از جبهه پیوسته پیروان و لیبیرال کردن آن نیز نوده ها. بدین این جاهدین و پیروان و لیبیرال بر دهن برداشتن از نیات پیروان و لیبیرال انجام صف انقلاب بر علیه ضد انقلاب - ناصبر است، "تلاشی کردن" یعنی پیوستگی حرکت در جهت انجام صف انقلاب و یعنی حرکت در جهت اتحاد کارگران و صنعتگران.

آری، ما برای "تلاشی کردن" اصده های ناب خورد و پیروان و لیبیرال و هیده های پیروان و لیبیرال در جهت گسست کامل نوده ها از برنامه های پیوستگی و جلد آنها است برنامه انقلابی از هیچ عمل انقلابی فرونگد آری نمی کنیم، لعم از اینکه معاهدین در ارگان تحت رهبری پیروان و لیبیرال باقی بمانند و از آن بگسلند. علیه احزاب و سازمانها بصورت تکنیکی برخورد نمی کنیم. از نظرها اصول حاکم بر سیاست می مابین پیروان و لیبیرال و انقلابی را با تکنیک سازنده طبقاتی مشخص میکند. این برنامه و عمل احزاب و سازمانها است که نباید گنجی اجتنابی ایشان را در مورد کارزار طبقاتی حیک صیغه و نه تابلو و سابقه سازمانی. اگر بر اساس تابلو و سابقه صیغواتیم احزاب را رقم بزنیم، باید "صیغواتیم" در سگاریسم "ارباب" یعنی ضد جهانی شورای ملی مقاومت را اکنون جز "صف انقلاب جهانی بحساب می آوردیم (شما چطور آقای سامع؟). اگر خورد و پیروان و لیبیرال است پروت آریتامیل نشان دهد و از اتحاد - و یامیل به اتحاد - پیوستگی پیروان و لیبیرال در اثر گسترش جنبش نوده ای، بسط انقلاب، تبلیغ، ترویج و عمل پیروان و لیبیرال در اتحاد با پیروان و لیبیرال قرار گیرد، اتحاد طبقاتی شور عملاً تلاشی شده است، لعم از اینکه سازمان معاهدین از شوراییرد و یانورد. آنگاه، آقای سامع، معاهدین در شورای ملی مقاومت نمایند و گمانند؟ می بیند اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم "شما چه تحلیلهای "انارشیمیستی" را در مورد تلاشی کردن شور با زبان میدهد؟

آقای سامع! نمیتوان زیر پوشش ضعیفی اینکه مرحله بقیه در صفحه ۱۶



حمله به سفارت ژاپن

آمریکا را دشمن اصلی خلقهای جهان و از جمله خلق قهرمان و مبارز میهن خود می شناسیم .
ثانیا - در شرایط کنونی ، مبارزه با این دشمن شناخته شده از کاتال مبارزه با امپریالیسم ژاپن صورت خواهد گرفته .
در پی چنین برنامه ای ما حمله به سفارت ژاپن در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۶۲ در ساعت ۱۳ و ۱۵ دقیقه وانفجار بمب در این سفارتخانه ، اولاً نفرت و انزجار خود را نسبت به این روابط نشان داده ، ثانیاً نشان دادیم که هیچیک از اقدامات رژیم ارضفغان و سرکوب و شکنجه و کشتار گرفته نسبتاً برقراری روابط آشکار سیاسی و اقتصادی با امپریالیستهای مانع از ادامه مبارزات سرسخت می آمان این سازمان در حمایت از مبارزات حقه مردم زحمتکش ایران نخواهد شد .

کارگران و زحمتکشان مبارز میهن ما نشان دادند که در مبارزه با امپریالیسم و یابگاه داخلی آن یعنی رژیم جمهوری اسلامی به پیش می نازند و حرکت قهرمانانه مردم افسر شده تقاضای شکوهتند بر این حرکت بود . سازمان مانیز هفتشان دادند همواره در کنار کارگران و زحمتکشان حضور داشته ، بگیرانه از ضایع حقه آنان دفاع مینماید .

مرکز برای امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و یابگاه داخلی
مرکز برای امپریالیسم ژاپن
مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی
برقرار آمد جمهوری دگرانه خلق

کمیته سازماندهی هسته های مخفی مقاومت
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۱۳۶۲/۵/۲۵

بدینال مبارزات ضد امپریالیستی دگرانه خلقهای ایران که خبریه قیام شکوهتند ۲۲ بجهن گردیدند ، کارکران و دستاران امپریالیستی از ایران گرفتند . ولسی اکنون پس از گذشت چهار سال ، بر اساس تصمیمات کنفرانس سران هفت کشور امپریالیستی در وین از بزرگ امریکاییه امپریالیسم ژاپن بحثیه پیش برند و سیاستهای غارتگرانه امپریالیستی ما صورت یافته تاجر خیمای اقتصاد وابسته و سرمایه داری وابسته ایران را حرکت در آورد .
سازمان ما از همان اولین روزهای پس از قیام همواره بر ضرورت اقتضای قرار اد های امپریالیستی پای صفت و عدم اقتضای این قرار اد ها را بحثیه تجدید این قرار اد ها میدادند و از همین زاویه بافتشای ماهیت رژیم صیود اخته تجدید این قرار اد ها از همان ابتدای روی کار آمدن رژیم پتدریج و در پشت پرده و نتیجه به توازن قوا آغاز شد . اما اکنون رژیم علنا و آشکارا بایک برنامه ریزی پنجساله اقدام به بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته توسط شرکتیهای چند ملیتی از جمله میتسوبشی ژاپن نموده است .

برای رژیم جمهوری اسلامی آمریکا ژاپن تقاضی ندارد . اکنون حتی نا آگاه ترین اقتصادتود و هاد ریافته اند که شعارهای ضد آمریکائی رژیم توخالی و بیج است . ولی از آنجا که امپریالیسم آمریکا تحت مبارزات ضد امپریالیستی دگرانه مردم ایران هنوز قدرت لطفال حاکمیت مستقیم در ایران را نیافته ، اینبار امپریالیسم ژاپن ما صورت یافته تراز ضایع امپریالیسم جهانی و شرکتیهای چند ملیتی در ایران دفاع نماید .
از اینسرو اسلام میداریم که :

اولا - ما کمپان امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم

آرزویابی . . . بقیه از صفحه ۲

بی صفتی و . . . خود را بر اساس تجارب خود و نه بگونه ای کاملاً آگاهانه رژیم جمهوری اسلامی میدانند و با مشکل مختلف خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم نشان داده و مقابله فزینی با آن بر می خیزند اما هنوز بقدرت واقعی خود و نقش خود بر چرخهای اقتصادی جامه سه واقف نگشته اند ، بدلیل کم کاری نیروهای پیشرو مینامند .

طبقه کارگرمانی به نیروی خود عملاً واقف میگردد که دارای تشکیلات انقلابی نبود و در مبارزات خود آگاهانه و هدف فضا ند گام نهد . در انصورت هر حرکت اعتراضی و انتقادی بشانه پله ای خواهد بود برای صعود به حرکات با کیفیت تر و طرح خواست های پیشرفته تر .

در شرایط کنونی آن تشکل که قادر است

طبقه کارگر را بطور هم حول آن متشکل سازد کمیته کارخانه است که بشانه کمیته مخفی لقتصاب عمل مینماید . طبیعی است که این کمیته هاد شرایط کنونی باید از سوی انقلابیون کمونیستهای گداری شده و هاد ایت شود اما این کمیته ها اساساً دگرانه است بوده و ضمن تبلیغ وظایف دگرانه انقلاب کل نموده کارگران را در بر میگیرد .

اما پایهای تشکیل این کمیته هسا ، هسته های سرخ کارخانه که متشکل از انقلابیون کمونیست و پیشروترین کارگران است در راستای اهداف اشتراکزیستیک و همیشگی خود بجد الزامات دگرانه است باید امرترویج ایده های سوسیالیستی را در میان پرولتاریای بالنسه آگاهتره پیش برند . اعمال همونی طبقه کارگر بر جنبش نه از طریق شعار که با شرکت عملی و فسمال پیشروترین عناصر پرولتری در حرکات لقتصابی و اعتراضی و نه صرفاً در کارخانه که در کلیه سطح جامعه قابل تحقق است و این نیز مستلزم کارمند اوم و یگیر و زمی یولار است

در این میان هستند محافظی از مدعیان مارکسیسم - لنینیسم که شکست خود را در سازماندهی جنبش شکست انقلاب نسبت میدهند و با سردادن آیه یاسر ، به کسج برکت خزیده و برای انقلابی دیگر و نسه انقلابی که در پیش روی ماست تشویق تدوین میکنند . و با غناصری که ضعف جنبش کمونیستی را بهانه ای برای پنهان داشتن نزلت خرد و بهر زوای خود یافته بسسه لغوش هریرانات بهر زوای پناه میبرند . این هر دو گروه هر چند در بیان تحلیلهای خود از کمپنتی متفاوت سود می جویند اما عملاً به بهر زوای خدمت میکنند . اما کمونیستهای راستین برعکس ، از این واقعیت که جنبش کمونیستی ضعیف است این نتیجه انقلابی را میگیرند که باید هر چه بیشتر تلاش کرد تا این ضعف را بر طرف ساخت و صفوف خود را از این مدعیان دروغین مارکسیسم - لنینیسم تعقیه نمود .

ژندانی لیبیاسی به قدرت نوده ها آزاد باید گورد

انقلاب ایران در کراتیک است و علم سازش طبقاتی را برافراشت و صف انقلاب ضد انقلاب را در هم آمیخت و شناخت و تدرک این واقعیت که اکنون پرولتاریا نمیتواند پشمهای قدرت سیاسی را قبضه کرده و دیکتاتوری بلافاصله خود را برقرار نماید و توجیه گره زدن اتحاد نیست از نقطه نظر پرولتاریای آگاه و اتحاد نیروهای سیاسی طبقاتی صف انقلاب که میتواند خود را در اتحادی فایده بین نیروهای سیاسی خلیج سازد و دارای شخص مشخصی است که در برنامه حد اقل پرولتاریا ضلعی است و برنامه حد اقل پرولتاریا و بیانگر مطالبات و اهدافی است که پرولتاریا در اتحادی بسا متحد پیش قرار میدهد یعنی برنامه اتحاد عمل انقلابی تحت رهبری پرولتاریا است.

آقای صامع بادرک خود از مرحله انقلاب و برنامه حد اقل سازمان را بنام "آنا رژیسم و سکارسیم" شرح میکند چرا که ایشان از مرحله انقلاب در کراتیک رهبری پروتاریا را برانقلاب سقیم و از ایمن روی پرولتاریا را بنام تکین از پروتاریا فرایخواندند اما سازمان وظیفه خود میداند که بر اساس حریم اصولی و انقلابی خود و برنامه حد اقل پرولتاریا را در میان خود و هائیکس و تروپس نماید ضمن شرکت در مبارزات خود و سازمانها و ان مبارزات و توده هارا حول برنامه حد اقل پرولتاریا بسج نماید یعنی در جهت اتحادی اصولی و انقلابی و تا کتیکهای مشخصی را بنا نوجه شرایط معینی و در نهایت توده ها را بگرداند و بیسافهنگ عجاز است که تحت شرایطی در جهت پیشبرد برنامه حد اقل و ایجاد شرایط مناسب برای تحقق اتحاد عمل طبقاتی حول برنامه حد اقل و با سایر نیروهای سیاسی (والیه پرواضح است که نه هم نیروی سیاسی) بر منای پلانفرم سازمانی مشترک که شامل بخشهایی از برنامه حد اقل است وارد اتحاد عمل شود در همین حال پلانفرم مبارزاتی نمیتواند ناقص برنامه حد اقل باشد، گاهی است در جهت رفع عوارض و راه گشایی برای تلیقه تروپس و سازماندهی و اجتماع توده هابه پدیسرتر برنامه حد اقل پرولتاریا.

آقای صامع و اطه گوشش به این حرفها در هکار نیست و به این مسائل کاری ندارد چه باک اگر به برنامه شورای ملی مقاومت در تناقض آشکار با برنامه حد اقل پرولتاریا است و چه باک اگر که تحت این برنامه اسارت کارگران و زحمتکشان "جاودانه" میشود و چه باک اگر که با وساطت آقای صامع و مجاهدین پروتاریا تطهیر میشود لابد اینها همه مسائل بی اهمیتی هستند که طرحشان خود نشان سیاستهای سکارسیم است و باید اگر مخالفت با با جمهوری در کراتیک اسلامی شورای ملی مقاومت "سکارسیم" است و باشد اما نیفتگی شمانسبت به این جمهوری از چیست؟ لیر الهم اسلامی این و یاد سکارسیم

اسلامی اش و کد ایک شمارا ختون خود کرده است؟

جمهوری در کراتیک اسلامی و در اساس یک جمهوری لیر الهمی است بارتک و بسوی اسلامی و بارگه هائی از سکارسیم (البته از نوم اسلام راستین) که در تار و پود لیر الهم حاکم بر جمهوری شورای ملی مقاومت است و رنگ غده است و ساله فریبی در اینجا اتفاق نیفتاده است تجربهات جهانی در این مورد نیز نمونه های بی شماری از عطر که در طراسی خرد و پروتاریا و پروتیزه سران آن عرضه داشته است و که چگونه توده های خود را به اعتماد و سازش بسا پروتاریا می کشاند و که چگونه در بیشتر حالات برای تصرفاتی کم عمده و توده های زحمتکش گذشتهای ناچیز بسیار که تضاء نمیشود میگردند و که چگونه همواره لیر الهم مسائل قطعی شکل زائد و ناتوان پروتاریا عمل می کنند.

آقای صامع که از سیاستهای آنا رژیستی و سکارسیم "مهری سازمان به تنگ آمده است به شورای ملی مقاومت پناه میبرد تا در کراتیک را انجبا باز یاند و در کراتیکمی که در آن رئیس جمهورش تجربه گرانمایه را برای توده ها از صیوه کار "در کراتیکمی پروتاریا و در گشود و گردستان و در آشگاهها و کارخانه ها و از خود باقی گذاشته و ستولش از هم اکنون نشود و خواهد را بلند - گوی تبلیغات خود کمونیستی گردانده است و نیز مسئول شور برای نشان دادن "در کراتیک" شعراء در برنامه دولت پوتشان همه حال" ماسلمانان نام میبرد. صارت است آقای صامع اگر فصل تلفیق دین و سیاست (بهر صورتش) از نقطه نظر تاریخی به پایان رسیده بود و اکنون بطور مشخص نیز با تجربه جمهوری اسلامی هر نوع در کراسی اسلامی لقب از نوع انقلابی و واقعی راستین و ققاهتی برانده است حکومت در کراسی و اسلام در تناقض آشکار است اما آقای صامع بجای تکیه بر تجربه ها و اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم تلاش دارد زدن کارگران و زحمتکشان را تیره و تار سازد و آنها را عقب گرد فرایخواند و اگر حزب توده و مادی اتحاد سوسیالیسم طبقی و اسلام انقلابی (فقاهتی) تحت قیومت پروتاریا بود و بالاخره خود را در این اتحاد یکطرفه اعلام کند و به چار صخ کشید و آقای صامع بنیادی اتحاد سوسیالیسم علمی با اسلام راستین تحت قیومت پروتاریا - لیرال گفته است.

آقای صامع در دوران انقلابی توده ها را راه پدیرش رفم دعوت میکند و وسای میگویم "مارکسیسم و برخلاف "سوسیال سکارسیم" خرد و پروتاریا و پورتونیتی حضرت پلخانیف و کاتونستی و سکارسیم (یعنی امثال آقای صامع) بر آنست که در دوره های مذکور در دوران انقلابی عموما و از جمله در دوران انتقال و سرمایه داری به

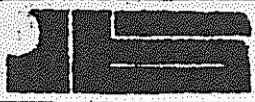
سبک کار...

بقیه از صفحه ۱۴

سوسیالیسم) دولت نباید از نوع جمهوری پارلمانی پروتاریا باشد و بلکه باید از نوع کهن پاریس باشد (لنین و وظایف پرولتاریا در انقلاب ما).

بهر حال و اختلاف اصول و فط نسبی آقای صامع با "حریم اصولی و انقلابی سازمان روشن و صمد است در همین حال آقای صامع میخواند که طی بیض از تکامل نسبی که از برقراری کتیره سازمانی میگذرد و عن بنبر اصول صوب سازمان، موازین عقیده تی خود را به بحث بگذارد و طوسی سازمانه ایند لیر الهم از آن دفاع نماید اما عثمانکینه که کشیم آقای صامع این کار را نکرد بحال که بدلائل شخصی از سازمان اخراج شده است و همواره می اندازد که علت اخراج مخالفت ایشان با سیاستهای سازمان در مورد مجاهدین شورای ملی مقاومت و پیرو درج مقاله "دوره پیشتر وجودند ارد" بوده است اما آقای صامع حتی یک نوشته کمی اعتراض میزد در این باره به تشکیلات ارائه نمیدهد و ترجیح میدهد که اعتراض خود را از زمین صاهدین اعلام دارد و چرا؟ چون ساله آقای صامع مقاله فوق نیست و بلکه صوات کتیره در مورد صف انقلاب ضد انقلاب و شورای ملی مقاومت و وظایف پرولتاریا در انقلاب در کراتیک و غیره میباید شاید هم آقای صامع تصور میکرد که صوات کتیره برای بایگانی در آرشیو سازمان بدر میخورد و در جریسان عطل میتوان اصول خود را به بیض بر (مثلا در گردستان) با این وجود و آقای صامع پس از اخراج نیز میخواند بنون تحریف و تحطه و توطئه جینی و... به شورای ملی مقاومت میباید و بعد قاع از موازین خود بیزارند اما آقای صامع ترجیح میدهد رسالت خدمت به پروتاریا را هر چه بیشتر با حمله سازمان ماکتفیل کند و شلوغی بر راه بیاندازد و بعد ادامه نمایش خود را در نام کردن سازمان و احیاناً افشا "سکارسیم" تشکیلاتی سازمان به پروتاریا بدهد.

"شروع کنید سرادر" و شروع کنید خاک به چشم کارگران و زحمتکشان بیاشود و تحریف کنید و منش خود را هر چه بیشتر عینان سازید از "حریم اصولی و انقلابی" پروتاریا دفاع کنید و از "اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم" بی ضرر و تپسی شده از زمین خود انقلابی مورد بدبشش پروتاریا دفاع کنید "دوره پیشتر وجودند ارد" سران خرد و پروتاریا "باید" اعتماد به پروتاریا را به مردم بیاموزند و پرولتاریا هم باید عدم اعتماد نسبت به سیزواری را مردم بیاموزد - ایمن است زنده اختلافات ما و اینست ریشه برخورد های مغرضانه کنونی شما سازمان و



کار و ...

ضمن انجام وظیفه خدمتیه این نیروهای پنهانکار و بیضرو بسزای اینکه در اختیار نبودن های وسیع قرار گرفته نیاز ضربه شدن ، باز نویسی و تنظیم مجدد توسط هواداران خواهند بود .

بنا بر آنچه گفته شد ، ارکان سازمانی در شرایط کنونی موظف است مسائل اساسی جنبش را به واقع بینانه ترین وجه ممکن مورد مذاکره قرار دهد و در صورت نیاز کردن گره گاههای اصلی آن باشد . یعنی از وضعیت سیاسی و موقعیت جنبش و نیروها در داخل و مسائل مهم جنبشهای جهانی بختی (فلسطین ، آمریکا) لاتین (و ...) و کشورهای سوسیالیستی و ... تحلیل ارائه دهد ، ضامین برنامه ای سازمان را ترویج نمود و در هندود های عمومی ولی مشخص و عملی در زمینه کار سازمانی هواداران و توده ها ارائه نماید .

تلاش مانیز در این راستا سیاستی کاتالیزه شود . ولی اینکه مانیاچه حسد نوانسته ایم این نیازها را بر آورده سازیم ، مسئله ای است که پیش از همه ، خود خوانندگان نشریه ، رفقای تشکیلات ، هواداران ، کارگران و زحمتکشان بیضرو و سازندگان که نشریه را دریافت کرده اند ، بیوانند بهتر از هر کسی و به بهترین نحو تصوات کنند . در حقیقت یکی از مضمرین شرح محک زدن کارنامه کار نشریه نظرات خوانندگان انقلابی نشریه در مورد آنست . بجز آن فعالین سازمانی ، هواداران و ناصر بیضرویی که مستقیماً درگیر مبارزه انقلابی هستند .

اما ، مسأله فغانه ، بد نباست که مساز بر خورد های فعال رفقا ضرور ماند ، ایم و هر چند که گاه نگاه پیشنهادات ، انتقادات نامه ها و ... برای ما ارسال شده ولیکن این مقدار فوق العاده محدود بوده و نمیتواند (همچنانکه تاکنون نتوانسته است) بواقع یک ارزیابی دقیق از کارمان بدست دهد .

مانا کنون سعی کرده ایم تا بطریق مختلف امکان و مکانیزم انجام و تسهیل این مهم و برقراری ارتباطی ارگانیک با رفقا را فراهم سازیم و از طریق بولتن خبری درونی ، پاسخ کنونی مستقیم و ... و گاه از طریق نوشتار نشریه مقالاتی در نشریه مسائل رفقا پاسخ گوئیم . ولی هنوز این تلاش ماگفقا نیازمندی ها را نمیتواند در حالیکه خود ما از دریافت محدود انتقاد و پیشنهاد برخوردار غیر فعال رفقا می نالیم اما از سوی دیگر رفقا نیز با انتقاد دارند که حتی موفق نبودن ایم به همین سبب و نظرات انتقادی نیز به موقع

باندازه کافی و در جاهای خود پاسخ گوئیم . از همین رو و مخاطب بود اشحن گامی دیگر در راستای برقراری ارتباط نزدیک تر و ارگانیک با رفقای تشکیلات و هواداران و کارگران و زحمتکشان بیضرو و آگاه و مبارز حتی سایر نیروهای انقلابی ، از این شماره اقدام به گشایش ستونی تحت عنوان " سؤال و جواب " در جهت گشایش و تبادل نظر نمودیم .

ما از این به بعد خواهیم گوشه نشینا بهترین انتقادات ، پیشنهادات ، سؤالات و نظرات و مسائل رفقا را تا آنجا که شرایط و عوامل مختلف اجازه میدهد ، منعکس کرده و در صورتی که بر ایمان مقدر باشد هر چند بطرفشرد ، پاسخگو باشیم .

در مواردی نیز که پاسخها در چهارچوب توضیحات نسبتاً کوتاه تحت این ستون امکان پذیر نباشد ، اقدام به تهیه مقالاتی در جوابگوئی به سؤالات و مشکلات و مشکلات شما خواهیم کرد .

بنا بر آنچه گفته شد ، منظور ارتقاء کیفیت نشریه ، کسب اطلاع از وضعیت کنونی جنبش و موقعیت هواداران و مشکلات آنها و ... از گنجینه رفقای تشکیلات ، هواداران ، کارگران و زحمتکشان مبارز و آگاه و هر عنصر مبارز بیضرویی می خواهیم کسه بخصوص در زمینه های ارتباط خود را با ما حفظ کرده و بر ایمان نامه بنویسند :

۱- نظرات انتقادی شما نسبت به مقالات و مطالب مذکور در " کار " .
۲- پیشنهاد برای برخورد با سؤالاتی که فکر میکنید برای نیروهای سازمان و جنبش ضروری است و میتواند از طریق ارگان و یا هر طریق دیگری ارائه گردد .

۳- نظر شما نسبت به ذهنیت نوده ها ، کارگران و زحمتکشان
۴- نظر شما نسبت به موقعیت ، ذهنیت و مسائل هواداران و نیروهای سازمان ، مشکلات در کار تبلیغی و ترویجی ، مشکلات عملی توزیع ، پخش و ... و در مرحله بعد سایر نیروهای جنبش .

۵- ارسال هرگونه گزارش و خبر در ارتباط با جنبش بود ، ای سؤالات درونی رژیم و ... با ذکر رجه شوق و هیاه شوق یا مشخصات لازم دیگر .

۶- اگر دست اندرکار تهیه تراکت ، اعلامیه ، بولتن ، خبرنامه یا نشریه محلی و منطقه ای و ... هستید و یا در هر زمینه ای لازم مقاله ای نوشته یا میتوانی بنویسید ، حتماً آنرا برای ما ارسال دارید .

رفقا ! ارتقاء " کار " ، ارائه تحلیلها و رهنمود های انقلابی و منطبق با شرایط مشخص در جهت هدایت و فعالتر در مبارزه -

طبقاتی حاد جاری بدون همکاری انقلابی و نزدیک شما صیر نیست . ما از شما خواهیم با تمام توان و مسئولانه به این مطالب انقلابی خویش برخورد نمائیم و بار از نظرات خود آگاه سازید . ارگان سازمانی را بیرون خود و جنبش تلقی کنید . رفقا ! حتماً بنظر مشخص شدن و حصول اطمینان شان از دریافت نوشتجاتتان توسط خود و به خاطر ایجاد امکان رجوع مجدد بشما برای برقراری ارتباط مداوم و همکاری صاف نظر شما خواهیم تا کدی مرکب از دو حرف و سه عدد (مثل ، بک ، ۴۳۶۲ ، ج ، ۲۸ ، ۴۲ - و ...) برای خود انتخاب نموده و بنا بر تاریخ اخبار و گزارشات ، نامه ها و نوشتجات خود را ارسال دارید . ما بلافاصله پس از دریافت آن در اولین شماره نشریه اقدام به درج کد شما خواهیم کرد .

ما در اینجا کار خود را با پاسخگوئی به چند سوال و انتقاد آغاز میکنیم . باشد تا سنت انقلابی برقراری چنین ارتباط ارگانیکی به خلاقانه ترین نحو ممکن تدوم یابند .

رفقا نوشته اند :

۱- اخبار جنبش خلق کرد بسیار کم و تکراری است ، هر چند وجود مشکلات و ارتباط گیری را نمیتوان نادیده گرفت ، اما رفقا ، این مسئله اهمیت فراوانی دارد ضما در نشریه عنوان " جنبش انقلابی خلق کرد " مورد استفاده قرار بگیرد در حالیکه تنهابه اخبار عملیات بیشتر که های فدائی و سازمان اشاره میشود .

در پاسخ باید اذعان کنیم که در این زمینه نشریه گامی هائی داشته و نتوانسته است از طریق درج اخبار اساسی جنبش انقلابی خلق کرد ، رفقا را در جریان وضعیت واقعی مبارزه در کردستان قرار دهد و بدینوسیله تحریکات و اخبار رژیم را آنطور که باید و شاید خشن نماید . نظر رفقا در مورد انعکاس اخبار عملیات سایر جریانات سیاسی و صرفی در کردستان نیز که همیشه رژیم مبارزه میکنند و مبارزات آنها از سوی سازمان مورد حمایت قرار بگیرد صحیح بود ، و ما سعی خواهیم کرد تا بتدریج بسر این ضعف خود قایق آئیم .

۲- اخبار راجع به جنبش جهانی وجود ندارد پس از انتشار جلد رکورد رتیرماه ۶۱ در پی وقته سه ماهه ضربه سفند ماهه نظر به اینکه مطالب دستوری نشریه میبایستی با توجه به شرایط اختیاتی و مشکلات دیگر از یکسو و نیازهای جنبش از سوی دیگر منطبق میگردد ،

پیشتر بسوی تشکیل جریانی طبقه کارگر

جنبش انقلابی ...

بقیه از صفحه ۲۰
دو تانکر حامل ۷ هزار لیتر نفت صادره و بین روستائیان روستاهای اطراف پخش کردند.

پنجم مرداد - صفحہ ۲۰

پیشمرگان کوموله جاده اصلی سمنج - کامیاران ریخته با وجود اینکه جاده سه شدت توسط رژیم محافظت میشد و حضور تعداد زیادی پاسدار در طول مسیر جاده - رابطه با دولت ساعت تحت کنترل غنچه بود گرفتند، برای مسافرتین صحبت کرده و کمک مائین متعلق به استانداری را صادره - کردند.

روستای قران در جنوب شرقی سمنج واقع شده و این روستا روز ۵ مرداد از ساعت ۵ صبح مورد تهاجم نیروهای سپاه و ارتش قرار گرفت بدینال این تهاجم نیروی شخصی بین پیشمرگه ها و مزدوران رژیم در گرفت و در این جنگ نابرابر، غنچه تمامی تلاشهای ارتش و سپاه که از هرگز روستا را زیر اشک توپ و خمپاره گرفته بودند، مقاومت نهمانانه ای از سوی پیشمرگه ها در مقابل یورش رژیم صورت گرفت پس از ۱۰ ساعت مردوزان جنایتکار با جاکت اشک تلفات - سیار محصور به عقب نشینی تا مواضع قبلیستی شدند.

پیشمرگان به یک پایگاه دشمن در داخل شهر سردشت حمله کرده با وارد آوردن خساراتی به این پایگاه، بسیجی را بهلاکت رساندند. یک خودرود دشمن توسط مین در فاصله میروان - سردشت ضدم شد.

صبح روز پنجم مرداد ۱ کیلو هواز جاده بهین بانه توسط پیشمرگان تحت کنترل درآمد و یک مائین متعلق به پایگاههای دشمن در اطراف منطقه هدف آتش پیشمرگان قرار گرفت که اکثر سرنشینان به هلاکت رسیدند. رژیم پس از اطلاع از این حادثه نیروی ککی به منطقه فرستادند - پیشمرگان با وارد آوردن تلفات بیشتر موفق به شکستن حلقه محاصره و فرار از محل درگیری شدند.

غراز مزدوران رژیم بانه انفجاری در نزدیکی مهاباد برخورد کرده کشته میشوند.

روستای باغچه بار در کردستان تهاجم ارتش و سپاه ضد خلقی رژیم قرار گرفت. هدف از این حمله بدست آوردن اسلحه

روستائیان بود در این رابطه عده ای از روستائیان دستگیر و شکنجه میشوند اما رژیم اینبار نیز با مقاومت مردم قهرمان این روستا مواجه شده و مجبور به ترک آنجا میشود.

ششم مرداد - مهاباد

رژیم حمله گسترده ای را همراه با هلیکوپتر، توپ، خمپاره و کانتینر سرعت صبح به روستای قره قشلاق آغاز میکند. این مورد ۱۰ ساعت بطول می انجامد که طی این مدت نیروهای ککی ارتش و سپاه از شهرهای مهاباد، بولاگان و میاندوآب برای تصرف روستایی پس از دیگری وارد حنچه میشوند. اما با وجود نیروی عظیمی که از جانب رژیم بکار برده میشود، مزدوران احساساً کد اختن ۱۰۰ کشته شکست مخفیانه ای از پیشمرگان و مردم قهرمان این روستا خورد و عقب نشینی میکنند. در میان اجساد بجایمانده، حمد فرمانده گروه ضربت مهاباد بنام احمد حسینی فرمانده سپاه پاسداران ماند آب شناختی شد در این درگیری دو کلاشینکف، تعدادی ژند ۳۰ سه هزار فشنگ، ۱۲ خنجر و ۲۰ نارنجک بدست پیشمرگان افتاد در این نبرد نابرابر ۱۰ پیشمرگه حزب دگرات شهیدت رسیدند. روستا که به خمپاره و توپ بسته شده بود ویران گشت پیشدین از اهالی روستا زخمی و یک دختر چرخه - حاله نیز شهیدت رسید.

در ساعت ۱ بعد از ظهر یک تیر تاحامل ۱ پاسدار در نزدیکی روستای یوسف کندی به کین پیشمرگان افتاد که هر شش ساعت سرنشینان آن بهلاکت رسیدند. بر اثر این حمله نیروهای ککی دشمن برای محاصره پیشمرگان خود را به منطقه می رسانند. اما پیشمرگان با بهلاکت رساندن تعداد بیشتری از آنها حلقه محاصره را شکسته و خود را به منطقه آزاد شده می رسانند و یک پیشمرگه حزب دگرات در این درگیری شهیدت شد.

هفتم مرداد - دیواندره - سه راهی هزار کانیسان

یک مائین سیمرغ متعلق به رژیم همراه با کالیبر ۵۰ به تله انفجاری پیشمرگان افتاد که با انفدام مائین ۱۲ سرنشینان کشته شدند و یک تیر تاحامل ۱۰ کد بدینال آن می افتد نیز بر اثر این انفجار آتش گرفت و ۱ پاسدار ایران بهلاکت رسیدند.

سردشت: فرمانده یک گروه ان سپاه همراه با اسلحه اش خود را تسلیم پیشمرگان نمود.

نهم مرداد - بانه
پیشمرگان وارد شهر بانه شده برای مردم صحبت و تبلیغ میکنند.
یک جیب ارتشی یا صرغونین بوسیله جن در جاده هزارگانان ضدم شد. با انفجار دو مین در دیواندره ۲۴ نفر از افراد دشمن کشته میشوند.

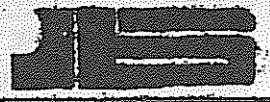
کاد و ... بقیه از صفحه ۱۷

مخاطرات تقلیل تعداد صفحات نشریه، بخش حسابی و اخبار بین المللی از کاد حذف گردید. طبق این تصمیم - سری ماناچارا تنها گاه اقدام بارگاه عطالتی در زمینه های بین المللی کرده ایم، زمانی که مسئله شخص و حامی رخ داده و از نظر مبارزاتی جنبه تعیین کننده ای در جهان، در منطقه خاور میانه و در سطح جنبش مانیز بوده است. از جمله این موارد میتوان موضع گیری در قبال مسائل فلسطین و السالوادور را نام برد. ما با توجه به محدودیتها ناچاریم همچنان از درج اخبار بین المللی بطور معمول اجتناب کرده و صرفاً در مواقع حساس اقدام بانه ارائه مطلبی در این گونه زمینه ها موضوع گیری و تحلیل شخصی بمانیم.

۴- اخبار راجع به شهرستانها و اخبار حلات اصلا نبودند و اخبار کارگری نیز بجزه اخبار سمارکم است. همانطور که در بالا توضیح دادیم بخشی از صفحات ارگان با نتیجه بسته چند و پشاه از آن حذف شده است. از جمله این موارد بخش مربوط به اخبار شهرستانها و چورکهای اعتراضی مردم و اخبار از اخبار و گزارشات کارگری است. اخبار کارگری قلعدنا میبایستی همواره بخشی از مطالب ارگان را تشکیل دهد و لایستی کاستی در این زمینه میبایستی عمدتاً بکوشش رفقای کارگر و مبارز کارخانه ها و واحدها و مراکز صنعتی و اقتصادی و کارگری و بخش های کارگری سازمان مرتفع گردد.

در زمینه اخبار و گزارشات خود ای و کل جنبش نیز، تاکنون سعی کرده ایم هر از گاهی مقاله ای بصورت جمعبندی شده و تحلیلی ارائه دهیم. در آینده نیز ضمن پیگیری این کار، نظریه ضرورتی که به خاطر شدت یابی مبارزات کارگساران و زحمتکشان احساس میشود، بزودی اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان از طریق یک ویژه خبری سراسری کار به همراه نشریه کار منتشر خواهد شد، تا بدینوسیله خلا اخبار و گزارشات مبارزات انقلابی خود ها و مسائل سیاسی که بخاطر محتوای عین نیات ترویجی و تحلیلی سیاسی نشریه کار، در آن احساس میشود از طریق این ویژه خبری - سیاسی جبران گردد.

سازمان چریکهای فدائیس خلقی ایران



سراغ من بیاید، اما من نمیتوانم زندگیمی کم نیاید به بنوازمک بزوم . البته اگر یک وقتی ناچارا بامرگ روبرو شدم - کسه می نوم - مهم نیست ، صبح اینستکه زندگیم بامرگ من چه آتیمی درزندگی دیگران داشته باشد .

احمد شاطو ، از کتاب : صد بهرنگی باموضهای ارس بدربا پیوست .

باشد و هزار سودا ، چون مرگ بر او سازند ، گنج ، می باشد ارضمانند .
 صد صبری از این هیولا بود .

اما او هر چند با " موضهای ارس بدربا پیوست " ولی هزاران سرو هزاران ماهی سیاه کوچولوی در انارابه دریای ظلمت و تیره بختی کسبل داشت تا به آن خفتگان بی روح که واقعبندیهای روزمره زندگیم در خواب آلودگی شب بصورت رهایی بدشتیباو هفت هایشان زانلق سیاحت ، مسیر به موضهای از ان رار هفتا گردیده .

" ماهی سیاه کوچولو " که تصاویر و رمانی را پیوسته ، که به بحر خنجر و خلیج فارس را - در تیز و بدوبه دریای مدیترانه راه یافت و روح " لوانس " معلم فلسفه فرانسه را آنچنان به هیجان آورد که در باره اش نوشت : " صد بهرنگی در شمار این سازان خستگنسی ناپذیر بود ، و با آن اسیر اطوری بزرگ و هفتی می خنکید که ما انسانهارا به بنایان زندان بردگی خصوصی تبدیل میکند . . . "

" ماهی سیاه کوچولو " که در کتب نکش است در دل خنجر می بلغ تا بهینا تسی و ناتوانی ، که برای پیش رفتن ، از بیچاره و باله های شنای خوش همت می طلبد - و بهرنگی قه ان ماهی کوچک را تنها به قفسه فروریختن همین دیوارها و کسختن همین زنجیر هائی نوشت که حتی باره شکی کسان بی حس که به تریس امیخته شده اند به دفاع از آنها برخیزند .

" ماهی سیاه کوچولو " پیش سرود -
 عدده ای خواهند گفت چه بچه ماهی جرت نمی آید صرخه خواهند گفت : هوشند ، کسه صلاحیایش را خود ، یک به یک در کوره نبرد آب میدهد و توان آنرا از آنکه با آرامش خاطر خطاب به تمامی آنانی که هنوز از همت برخوردارند میگردد " سیا قدم در راه ننگ آریم بر همان می رسد . "

رفیق صد استوار و صدم قدم در راه گذاشت و بهر راه رفقا بهروز در هفتاسی ، نابدل و . . . گردان رزم و کین علیه دشمن طبقاتی را تدارک دیده تاد زهر در خصمانه بانظم سرمایه و حماش حمانه هسا بها فرزند .

صد آینه ای از صمیمت و جسارت بود و در ک عمیق از مبارزه . او با تمام توان علیه رژیم پیداد سرمایه ایستاد و مشعل مبارزه را تا او ایستادن دم حیات فسرزوان نگذاشت . . .

صد امروز در زندگی و مبارزه هزاران ماهی سیاه کوچولوی دیگر که در دریای بیکران مبارزه طبقاتی علیه رژیم سرمایه خالصانه بیکار میکنند ، زنده است و ایستاد گفته او چنین افکن که :

" مرگ خیلی آسان میتواند الان به

صدا . . . بقیه از صفحه ۲۰
 و اصد دارند ، دید ، که چه سان فریخته از طوقی اندیشه جوانه های خنجر تیاز و آگاه و صلح به جیبان بینی علی را با بر صیازند . او نمیتواند بشاید مبارز استند لیر و آگاه دید که " خنجر اهد انسی مارمولک " را برای تکافتن " کسه مرغ صفا " با فرمانبرداری از سلاح اندیشه خدمت میگردند .

او بر این باور بود که اندیشه نازمانیکه با واقعبندی زندگی در هم نیامیزد و برگسروه و اجتماع کرده تخیل ، گاهی است بی ریشه نیروئی است واحد ، که قادر به ریشه کین کردن بیدادگران نیست . او بر این اعتقاد بود که : " در طول مبارزه عهد تیرین اضیازه ضرباتی است که بر دیگر دشمن فرود بیاری ، ه همت پیشترود قیصر " و این صیرن صیرود ، طریا خود آگاهی طبقاتی .

صد برای رهائی جامعه از سوزنا به گندیده سرمایه ، چون کاشفی سخت کوش به هر کوه و دشت ، و در قمرود و دریا ره میگردند تا به ماهیهای سیاه دانا و خنجر اهد انسی دست یابند . آن سرک قالیباف ، با اعتقاد فوق العاده ای که با " زده تریس هوزاران جرقه برای بید کردن راه مبارزه و باطنی هزاران نیفتگی در مبارزه صلحانه به دیگر حیواناتان صمیمیت " یعنی همان صفای فکری تیزتری و با آن در انجمنی کفیه تظالم کامل تواضع ، انسان طریقه و کجکایی که از حیوانات فریاد گرفتن و تیرینه طلقا خسته نیستند " و کسی جز نابدل نبود کشف میکرد .

رفیق بدرهای افشاند اش را تا به انجمنی واقیت میبند که به زودی تکرارند : " اینان میگفت : " کیف کرده ام که آنچه در این دنیای بی حسی برای من جز طرح و نقشه چیزی نبود ، آرد آغاز میشود و قدرت عمل می یابد . . . " یک مقدمه از " فکر های صحنی بر واقعبندی " و بنا بر این کویای حقیقت را باید برد میان " مردم " که بچه هاتسی از انشد " صد چهره حیرت انگیز تمجد بسود تصدی که بحق میباید بانصاف غول و هیولا توصیف شود قول تصدی هیولای تصدی ! چرا که هیچ چیز در هیچ دور و زمانه نمی همچون " تصدی روشنفکران و هنرزدان جامعه " خیف انگیز و آسایش بر هم زن و خانه خراب گریها و کاستی هسا نیست .

چرا که تصدی او هائی است کسه گرانمایترین گنج عالم را پاس میدارد گنجی که نامش آزادی و حق حیات ملتهاست و این او های باید آره می باید از دسترس مرگ دور ماندن آن گنج عظیم را از دسترس تاراجیان دور بردارد . می باید او هائی باشند بی مرگ و آشی . و بدین سبب می باید هزار سرداشته باشد و بسک سودا . اما اگر یک سرش

گمگهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۱۲۰۰۰	الف
۱۰۰۰۰	روستای نولال
۲۰۰۰۰	رفیق سینا
۲۰۰۰۰	ن - ۲۲
۵۰۰۰۰	رفیق هادی
۳۰۰۰۰	ایران خستگان
۴۰۰۰۰	مهرتوش
۵۰۰۰۰	ر - ۳۵
۵۰۰۰۰	ستاره سرن
۱۰۰۰۰۰	ر - ح
۲۰۰۰۰	ش ۵۵۵
۵۰۰۰۰	بدون کد
۲۰۰۰۰	رفیق سینا
۳۰۰۰۰	رفیق هواد ارکج
۳۵۰۰۰	سلطانیم
۵۰۰۰۰	رفیق سهیل
۲۰۰۰۰	رفیق کاظم
۱۰۰۰۰	ناصر شمال
۳۰۰۰۰	د - رفیق شهید
۳۰۰۰۰	علی اصغر فلاسی
۱۰۰۰۰۰	روناک ۳
۷۰۰۰۰	زویه
۲۰۰۰۰۰	ازاد
۵۰۰۰۰	م - ۲۲۱
۵۰۰۰۰	ش ۵۵۵
۵۰۰۰۰	رفیق کاظم
۵۰۰۰۰	ماهیار
۲۳۳۵۰	قلک حید
۵۲۲۰	هسته اندرخی
۱۰۰۰۰	کارگردان
۴۰۰۰۰	ع - نولال
۴۴۰۰۰	حید
۵۰۰۰۰	رفیق یونس
۱۲۰۰۰	کمینه غرب
۲۰۰۰۰	ش ۵۵۵
۱۵۰۰۰۰	ع - ۱۲۴
۵۰۰۰۰	آناج ۲۲۲
شمار	پ - ۴
۳۰۰۰۰۰	وحید شرفی بدر
۲۰۰۰۰۰	گروه سعید
۲۰۰۰۰۰	ر - ۱۲۳
۱۵۰۰۰	م - ۲۲۸ رفقای
۵۰۰۰۰	لاهیجان
۵۰۰۰۰	مجید ۳۷

جسودان یاد خاطره دیده شهید ای بخون خفته خلق



شود و ویژه طالب آن بود موضوعات و مقالات تبلیغی - سیاسی و آموزشی و تحلیلی و تفسیر کرده و گفته بود این با آن سخن گرده . بعنوان مثال اگر طالبان اکثر طالب تشویه در برخورد با مسائل سیاسی روز باطن تبلیغی - سیاسی و خبری تهیه شده ، امروزه بهروز سیاسی از وقایع ، خبر داد و تشویه جو سرکشیب و احد و دینهای ناشی از آن و محتوای نشریه را بعد از طالب تحلیلی - سیاسی و تشویه تشکیل میدهد و وظیفه اساسی آن تشویه تغذیه مستقیم توده های وسیع و انتشار

ضبط و تأمین بلحاظ آگاهی سیاسی) بلکه جوابگویی و رهنمائی انتشارگاه و مجاری و نشر است ، تا این تشویقات انقلابی در این مرحله جنبش و هواداران و - سازمان های سازمان و حتی خود رفتاری تشکیلات تغذیه شده و آموزش دیده ، حرکت های مبارزاتی خود را عملیاتی میسازد ، سازمانی مرکز و فعال کرده و بوجه خود انتشار ضبط و تأمین و توده های وسیع را آموزش میدهد ، البته همانطور که مشاهده میشود ، کار بخش خاصی از طالب خویش را هنوز متناسب با نیازهای جنبش در خدمت مقالات تبلیغی - سیاسی و برخورد های سیاسی روز و اخبار کارگری و جنبش انقلابی خلق کرد قرار میدهد ، طالبی که برای توده های وسیعتری قابل فهم بوده و از سوی رفتاری تشکیلات و هواداران و نشریه قابل تکثیر قوی هستند ، هر چند که اکثر طالب نشریه بقیه در صفحه ۱۲

ارگان مرکزی یک سازمان و حزب کمونیستی ، در حقیقت همانند کننده اصلی کلیه فعالیت های آن سازمان با حزب و هدف ایده ها و نظرات واحد سیاسی - ایدئولوژیک سازماندهی است ، عاملی که چون رفته رفته - ای صرخ فعالیت کلیه نیروها را در تمامی نقاط بهم پیوند میدهد و این نیروها را حول خود بسیج میکند .

بعبارت دیگر ارگان سازمانی هم یک مبلغ ضروری است ، هم یک مرجع ضروری - و مخاطب وسیع نیروها حول خود و بدین طریق - هم یک سازماندهی و سرانجامی . البته شرایط مختلفی که مبارزه در آن جریان دارد گاه سبب میشود که ارگان سازمانی از لحاظ محتوا و ضمن دستفروشی تفسیرات سیاسی



صمد جاودانه است

چنینم گفته بودند
آب آباد است
فروغ زندگی ، شاد است
کین در رهبری اندوهناک از خوشتر میروم
چسان رودی ، چسان آبی است ، آب
رودخانه فرگانه تنو
که بر آبی است بیخامش ،
و شمعان تاریکی است ؟

رفیق صمد بهرنگی رانه تاریخ تولیدی است و نه تاریخ مرگی . او زندگی و مرگی هر دو را انبیا نه تاریخ است . او در شمار وارستان بی مرگ است . او جاودانه است .

صمد را چنان در دل چنان یاد کرده - هرگز از قصد نبود نه ماهی کیمولو بی دیگر یافت که در فکراه یافتن به آخر صمد استند . او را چنان در صفحات کتابها که با آنچنان ظرافت کودکان به نگارش در آمده ، ز مادران بموض قصه های مبتذل نباته کودکان را با نیت بقیه در صفحه ۱۹

جاودان باد خاطره فدایی شهید رفیق بسین

لازم به توضیح است که فدائی شهید رفیق صمد در تاریخ ۲۷ شهریور ماه ۶۱ بمسجد شهادت رسیده است ، با عرض عرض از این تأخیر ، در این شماره اقدام به گرامیداشت رفیق صمد میاتیم .

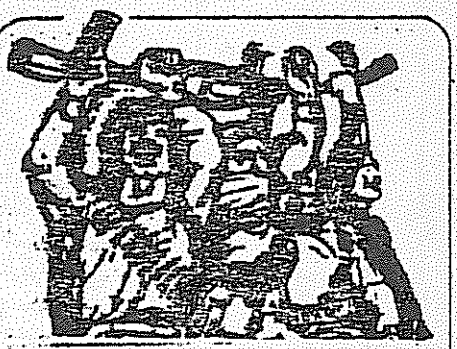
کرد انندگان رژیم خونخوار بود و جنبش جمهوری اسلامی که با تکیه بر نا آگاهی توده ها و عدم حضور بیخبر ، انقلاب خونبار خلق را به هارت بردند ، راهی جز سرکشیب و حسیانه برای تثبیت قدرت خود نمیتوانستند داشته باشند . این جلادان خلق فقط از طریق کشتار و اندامهای دسته جمعی شکرده و ارباب میتوانستند چند صباحی بر عمر تکیشان بقیه در صفحه ۸

مین که در جامه ستیزه مروان کارگذاشته شده بود بهلاکت رسیده اند .

یادگان ۲۲ بهمن واقع در نزدیکی سقز توسط پیشمرگان زیر آتش گرفته شد و طی این درگیری که سه ساعت بطول انجامید ۱۸ از مزدوران کشته شدند .

سوم مرد آن - در یواندره :

یک خود روارتشی حامل ۱۶ سر نشه ن توسط یک مین ضد بم شد که ۲ نفر از مزدوران کشته و بقیه زخمی شدند . پنج تن از روستائیان روستای قره چسی بجرم هواداری از نیروهای انقلابی بطرز وحشیانه ای توسط پاسداران ، بشهادت رسیدند . یک خود رود شمن در نزدیکی پایگاه قاصدیان توسط مین منفجر شد . پیشمرگان حزب دمکرات بمدت چهار ساعت حاد و مجاهد - ارومیه را زیر کنترل گرفته برای صافترین صحبت و تبلیغ کردند . در همین عملیات بقیه در صفحه ۱۸



جنبش انقلابی خلق کرد

اخبار زیر مربوط به عملیاتی است که توسط نیروهای سیاسی - مردمستان و عمدتاً توسط حزب دمکرات و کومله انجام شده است . در هاتن از مزدوران رژیم بیسمله یک